

تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۸
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۸/۲۳

دکتر محسن خلیلی*
سمیه حمیدی**

چکیده

انقلاب‌ها پدیده‌های بین‌المللی هستند، زیرا، ایده‌های شان، انتشار می‌یابند. وقتی ایده‌های انقلابی به دیگر کشورها سرایت می‌کنند، به پیشبرد انقلاب‌ها کمک و امواج جدیدی از خیزش‌های انقلابی را خلق می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران، نیز، در مدعای «تغییر نظم بین‌المللی»، هم‌جهت با سایر انقلاب‌های جهان است. مقوله تداوم انقلاب اسلامی، در قانون اساسی ایران نیز، وارد شده و به مفهوم صدور، بازتاب و انتشار امواج انقلابی، رسمیت بخشیده است. نگارندگان، با تکیه بر رهیافت تحلیل گفتمان (رویکرد فرکلاف) تلاش می‌کنند مفهوم صدور انقلاب را در متن مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی (آفرینندگان قانون اساسی ۱۳۵۸) بازسازی و تفسیر کنند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، صدور انقلاب، قانون اساسی، مجلس خبرگان

قانون اساسی، تحلیل گفتمان.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه
فردوسی مشهد
mohsenkhalili1346@yahoo.
com

** دانشجوی دوره دکتری علوم
سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

در پاسخ به پرسش‌هایی چند درباره ساختار درون‌گفتاری، مناسبات عینی ظهور، سازگاری، و پیش‌فرض‌ها، دلالات ضمنی موجود در متن مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی را بر اساس تحلیل سه‌سطحی فرکلاف از گفتمان (گفتمان به مثابه متن، گفتمان به مثابه کنش متقابل بین قواعد تولید متن و قواعد تفسیر متن، و گفتمان به مثابه بافت زمینه) مورد واکاوی قرار می‌دهند.

الف) پیشامتن

هر گاه در کشوری انقلاب رخ می‌دهد انقلابیون دچار خطای تعمیم می‌شوند و می‌اندیشند که همان‌گونه که محیط داخلی را به آسانی تغییر داده‌اند، می‌توانند محیط بین‌المللی را هم دگرگون کنند. مفهوم صادرکردن انقلاب چه در انقلاب اسلامی پیامبر که می‌تواند وجهی قدسی داشته باشد و چه در انقلاب‌های آمریکا و فرانسه و روسیه که دنیوی و غیر مذهبی بوده‌اند، نتیجه قهری پدیده انقلاب در سراسر تاریخ جهان است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۵). بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین نیاز پس از پیروزی انقلاب‌ها و مهم‌ترین رسالت و وظیفه هر انقلابی، بحث تداوم انقلاب است. بحث از تداوم انقلاب، نشان از توجه به آینده و سرنوشت انقلاب است. از این رو شناخت عوامل تداوم انقلاب، بازیافت موانع تداوم انقلاب و کشف قوانین تداوم انقلاب ضروری است (جوهری، ۱۳۷۸: ۴۴۸). در این میان هراس انقلابیون از ظهور نیروهای برهم‌زننده انقلاب در داخل، در نگاه آن‌ها به محیط نظام بین‌الملل، تأثیرگذار است.

اگر ریشه‌های انقلاب ایران را اسلام‌خواهی، ایرانی‌گرایی، مردمی‌بودن، جهان‌شمولی و آرمان‌گرایی بدانیم سؤال این است که در صدور انقلاب ایران، کدام یک از این مفاهیم، مؤثرتر و موفق‌تر بوده‌اند؟ به نظر می‌رسد از میان چهار ویژگی حاکم بر ایدئولوژی انقلابی ایران، جهان‌شمولیت اسلامی، نیرومندترین و برانگیزاننده‌ترین عامل برای صدور انقلاب است، ولی در کاهش آن، خصلت شیعی و ایرانی نقشی مهم داشته است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۸۶). در دیدگاه انقلابیون ایرانی به محیط نظام بین‌الملل، آن‌ها، انقلاب خود را جهان‌شمول می‌دانند؛ اما، زمانی که نظام بین‌الملل به آن‌ها می‌نگرد، این برداشت وجود ندارد، بلکه انقلاب آن‌ها را یک انقلاب شیعی-ایرانی می‌دانند. مشکل صدور انقلاب در ناهمسانی این نگاه‌ها است. بُرد فرامرزی انقلاب اسلامی ناشی از این نکته است که اسلام، دینی جهانی و خاتم ادیان است، بنابراین چون اسلام جهان‌شمول است، انقلاب اسلامی نیز ارائه‌دهنده نظام جهانی ویژه خود است

(محمّدی، ۱۳۸۵: ۸۱). حال، شاهد نوعی نگاه درون‌نگر انقلابیون به نظام بین‌الملل هستیم: ما به عنوان حاملان یک مکتب جهان‌شمول بخواهیم یا نخواهیم به یک رقابت سنگین با جهان بیرون دعوت شده‌ایم. از هر راه که برویم ما از ارائه یک الگوی موفق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به جهان ناگزیر هستیم. ما چاره‌ای جز این نداریم. ارائه این الگوی نو، یک مبارزه آرمانی و اصیل است (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۲).

مفهوم صدور انقلاب متأثر از وجه هژمونیک گفتار انقلابی در ایران، با جهتی‌گزینش‌گرایانه و متکی به مبانی اسلامی و در حال تبدیل به یک دالّ مرکزی در گفتمان انقلاب اسلامی بوده است. به عبارت دیگر، نظم‌گفتار سخن‌ صدور انقلاب در آن عصر، به تبع ریشه‌های فکری و ذهنی بنیان‌گذاران آن (انقلابیون اسلام‌گرا) به درپیش گرفتن مسیری اسلام‌گرایانه و غرب‌ستیزانه انجامید. این مقاله بر آن است تا نگاه انقلابیون به نظام بین‌الملل را (تنها با تکیه بر مفهوم صدور انقلاب، آن‌هم، تنها از منظر خبرگان تدوین‌کننده قانون اساسی) با توجه به تحلیل گفتمان بررسی کند. در برهه زمانی مورد بررسی، انقلاب اسلامی به مثابه یک فضای استعاری منجر به آن شد تا گفتمان صدور انقلاب در ایران به تبع پیوند با مفهوم امت اسلامی، از روایت‌های ملی‌گرایانه فاصله گیرد و تحت تأثیر تحولات درون ایران، همچون تسخیر سفارت آمریکا و تحولات عرصه بیرونی، شکل‌گونه‌ای از روایت‌های چپ‌روانه و سایر روایت‌های متکثر را به خود گیرد. در این راستا سازوکارهای ناشی از برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، نظم‌گفتار صدور را در انتهایی‌ترین سرطیف اسلامیت - ایرانیّت قرار داد که هر چه به سمت اسلامیت نزدیک می‌شود از بُعد ایرانیّت آن فروکاسته می‌گردد. در ادامه با توصیف گفتارهای گوناگون، کوشش خواهد شد استراتژی‌های زبانی موجود در عرصه کلامی خبرگان قانون اساسی نسبت به مفهوم صدور انقلاب مورد پژوهش قرار گیرد. از این منظر، در واقع، تحلیل گفتمان، جزیی از سنت پژوهش کیفی است که پس از پرداختن به پیشینه پژوهش، به سرعت به آن بازگشت خواهد شد.

۱) پیشینه پژوهش

همین‌جا، در آغاز این بند از نوشتار، می‌توان گفت برخلاف آن که نوشته‌های بسیاری درباره مقوله صدور انقلاب وجود دارد، ولی به سیاق و سبکی که نویسندگان در پیش گرفته‌اند، هیچ نوشتاری وجود ندارد که مفهوم صدور انقلاب را از راه رو تحلیل گفتمان فرکلاف از درون متن مذاکرات خبرگان واضع قانون اساسی مصوب

۱۳۵۸، استخراج و بازنمایی کند. حشمت‌زاده و گواهی (۱۳۸۰)، فقط به آثار معنوی انقلاب اسلامی در جهان اسلام پرداخته‌اند؛ عمیدزنجانی (۱۳۸۱) به اختصار درباره بازتاب و دست‌آورد و نتایج انقلاب، سخن گفته؛ امرایی (۱۳۸۳) به تزامن و توافق میان وظایف درون- برون‌حکومتی حکومت اسلامی ایران توجه کرده؛ ملکوتیان، تنها به بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی توجه کرده؛ حشمت‌زاده (۱۳۸۵) به تأثیر مسأله صدور انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی و ایجاد ضریب بالای امنیت ملی برای ایران دقت نموده؛ فرزندی اردکانی (۱۳۸۶) به بحثی مختصر و مفید درباره گوناگونی نظریه حکومت اسلامی پس از انقلاب از باب توجه به داخل یا خارج یا توأمان، اشارت نموده؛ دهشیری (۱۳۸۸) به تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل، پرداخته و به‌طرزی عمده، تنها به بحث نظری اکتفا نموده و نمودهای عینی و عملیاتی، به خواننده، نداده است؛ تاجیک (۱۳۷۹) بحث صدور انقلاب را در پرتو مفهوم جامعه امن، به بحث گزارده؛ سلطانی (۱۳۸۴) از طریق بررسی پیدایش و تحول گفتمان‌های موجد انقلاب اسلامی، فضا را برای کسانی که به تحلیل گفتمانی گفتارهای برآمده از انقلاب می‌پردازند، مهیا کرده است؛ اسپوزیتو (۱۳۸۲) به‌طور کامل مسأله صدور انقلاب را در انقلاب ایران، واکاوی کرده و همگان را از داشتن یک متن مفصل و مشروح درباره مقوله نظری صدور انقلاب بی‌نیاز ساخته است؛ فرقانی (۱۳۸۲)، غلام‌رضا کاشی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۵)، و ادیب‌زاده (۱۳۸۷)، موفق شده‌اند به شیوه‌ای هنرمندانه، تحلیل گفتمان را برای بررسی‌های مرتبط با مقوله‌های نظری در تاریخ معاصر ایران، به‌کار ببرند و نوعی خط‌مشی و راه‌نما برای دیگرانی که در این عرصه گام می‌زنند، فراهم آورند؛ فارسی (۱۳۶۸) از بحث حق و باطل می‌آغازد و با بهره‌گیری از اصطلاحات و واژگان کلام شیعی از جمله امر به معروف و نهی از منکر، ویژگی‌های تداوم انقلاب را که در نهایت به ضرر طاغوت می‌انجامد به بحث گذاشته است؛ فراتی (۱۳۸۱) از تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی سخن گفته؛ مصباح یزدی (۱۳۸۶) از مفهوم استمرار انقلاب سخن می‌گوید و آن‌را در عدم غفلت مردم از دسیسه‌ها، حفظ حالت بسیج در میان مردم، و پرهیز رهبران سیاسی جامعه از گزینش راه‌های محافظه‌کارانه در زمامداری، منحصر می‌کند؛ تاجیک و دهقانی (۱۳۸۲) به‌نحوی مستوفی از انواع الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سخن به‌میان

آورده‌اند که برای طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های سیاسی و روابط بین‌الملل، کارگشا و زمینه ساز است؛ محمدی (۱۳۸۵) در کتاب مفصل خود درباره بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، بُرد فرامرزی انقلاب ایران را نشأت گرفته از اسلام به‌عنوان دینی جهانی و نیز از خاتمیّت آن، تلقّی می‌کند؛ از این رو بر این باور است که چون دین اسلام جهان‌شمول است پس انقلاب اسلامی نیز قاعدتاً می‌بایست ارائه‌دهنده الگوی جهانی حکومتگری باشد؛ مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۸۰) از ویژگی‌های مرتبط با چگونگی حفظ و تداوم انقلاب اسلامی از زبان رهبر جمهوری اسلامی سخن به‌میان آورده است. فلاح‌نژاد (۱۳۸۴) و مجرد (۱۳۸۶) نیز در دو کتاب جداگانه، از مفهوم نظری صدور و بازتاب انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند و راه را برای کسانی که درباره نگرش‌های گوناگون موجود در میان انقلابیون نسبت به سیاست خارجی و نظام بین‌الملل، پژوهش می‌کنند، می‌گشایند. دهقانی و رادفر (۱۳۸۸) در مقاله‌ای جدید نشان می‌دهند که الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی ایران تداوم دارد و آن را در لابه لای کردارهای سیاست خارجی دولت نهم نشان داده‌اند. در نهایت، کتاب صدور انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدهای بین‌المللی آن (نوازی، ۱۳۸۸)، جامع‌ترین کتابی است که درباره مفهوم صدور انقلاب اسلامی در دو بُعد نظری و عملی به رشته تحریر درآمده است. به‌ویژه، هنگامی که از ارکان و ابزار صدور انقلاب اسلامی سخن به‌میان می‌آورد و از جبهه‌های گوناگون فرهنگی، علمی، اقتصادی، نظامی، و سیاسی (همان: ۲۷۴-۱۴۶) نام می‌برد، وجوه کردارگرایانه مفهوم نظری صدور انقلاب اسلامی ایران را به نمایش می‌گازد. آنچه که از این کتاب در پیوند با محتوای مقاله نگارندگان است عبارت از مطلبی است که با عنوان «رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی» (همان: ۱۴۰-۱۳۸) نگاشته شده و نگارنده در آن، مدّعی است که طرد کامل استعمار و دفاع از حقوق همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی یا وحدت جهان اسلام و قیام حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، وحدت اقتصادی جهان اسلام و رفاه مستضعفین و وحدت فرهنگی جهان اسلام و تداوم انقلاب در خارج (همان: ۱۴۲-۱۴۰) درحقیقت بیان‌گر انطباق اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی با مفهوم نظری/عملی صدور انقلاب اسلامی است. نیز، به‌تازگی کتاب الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹) منتشر شده است که توضیحی مستوفی از پیوند

میان مقوله صدور انقلاب با محتوا و ماهیت سیاست خارجی ایران پس‌انقلابی است؛ اما، نگارندگان مقاله پیش‌رو، سبکی دیگر برگزیده و تنها به تحلیل گفتمانی مفهوم صدور انقلاب در متن مذاکرات خبرگان قانون اساسی دست یازیده‌اند.

۲) پژوهش کیفی

از نگاه کیفی گرایان، درک رفتار انسانی بدون فهم ذهنیت سازنده آن رفتار، ناکافی خواهد بود. روش کیفی جنبه اکتشافی دارد و در پی آن است که بدون تکیه بر تئوری‌های جاافتاده، فهم پژوهشگر را به ساختار واقعیات اجتماعی نزدیکتر سازد و می‌کوشد این کار را از طریق برخورد و تعامل با واقعیات انجام دهد. پژوهشگر کیفی واقعیات اجتماعی را مورد عمل و ارزیابی قرار می‌دهد و از این طریق میان خود و واقعیات اجتماعی ارتباط برقرار می‌سازد تا به فهم عمیق آن دست یابد. برخلاف پژوهش کمی که در پی یافتن ارتباط میان پدیده‌هاست، پژوهشگر کیفی در تلاش است میان خود و پدیده رابطه برقرار کند. روش کیفی در واقع از نوعی منطق دیالکتیک بهره می‌برد. کاربرد روش کیفی عملاً جنبه آزمونی پیدا می‌کند، یعنی تعامل میان پژوهش‌گر و موضوع پژوهش و مشاهده پیامدهای آن. در جریان تعامل با واقعیات ساختار، فهم پژوهشگر از موضوع پژوهش همواره در حال دگرگونی و بازسازی است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۶). چون، موضوع علوم انسانی، شناخت رفتار انسان است و برای درک این موضوع، فهم ذهنیت در پس رفتار وی ضروری است، می‌توان دغدغه اصلی باورمندان به روش‌های کیفی را استدراک پیچیدگی روندهای اجتماعی از طریق توجه به متن و زمینه واقعیات اجتماعی دانست.

از منظر پژوهش کیفی، واقعیاتی کاملاً عینی و مستقل از محقق وجود ندارد و بر ماهیت اجتماعات ساخته شده از واقعیات، رابطه صمیمی بین محقق و موضوع تحقیق وی و اجبارهای موقعیتی که به پژوهش شکل می‌دهد، تأکید می‌شود. بنا به این باور، پژوهشگر کیفی ضمن تأکید بر ماهیت ارزشی پژوهش، به دنبال پاسخ برای پرسش‌هایی است همانند تجربه اجتماعی چگونه خلق می‌شود و چگونه معنی می‌یابد. فهم فرآیند خلق و معنادهی به پدیده‌های اجتماعی، مهمترین وظیفه پژوهشگر کیفی است (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۶۴). هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود. این مفهوم دلالت بر آن دارد که ما در دنیایی اجتماعی، شخصی و منطقی بسیار پیچیده و لایه‌دار

زندگی می‌کنیم که می‌توان از دیدگاه‌های مختلف به آن نگاه کرد. واقعیت اجتماعی به‌گونه کلی، چندگانه ساخته شده و به همین ترتیب از مناظر گوناگون می‌توان به آن نگریست. ما دنیا را از طریق سخن گفتن، کردار، نظام‌های مفهوم و معنا، حافظه، مراسم و نهادهایی که ایجاد شده، و از طریق راه‌هایی که جهان در آن به‌گونه فیزیکی شکل گرفته است، می‌سازیم و می‌شناسیم (هومن، ۱۳۸۵: ۱۹).

این مقاله با بهره‌گیری از یکی از فنون روش پژوهش کیفی درصدد کشف این نکته است که انقلابیون چه حقایقی را برساخته‌اند؟ نکته‌ای که باید در پژوهش کیفی مورد نظر قرارگیرد این است که اسناد از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ چرا که در پژوهش کیفی اسناد به‌مثابه داده به‌شمار می‌آیند. از این‌رو اسناد و مدارک صرفاً بازنمایی صرف از فرآیندها و تجربیات نیستند، بلکه ابزار ارتباطی در برساختن روایتی از این فرآیندها به‌شمار می‌آیند. بدین ترتیب، تمامی اسناد و مدارک در مستند کردن و برساختن واقعیت‌های اجتماعی به سایر اسناد و مدارک ارجاع دارند. برای درک کامل یک سند، باید زمینه‌ای را که سند در آن ایجاد شده است، هدف نویسنده از نگارش آن، شرایط کاری نویسنده، مخاطبان واقعی مورد نظر و هدف مخاطبان را از خواندن آن بررسی کرد. همچنین پژوهش‌گر کیفی در خواندن متن، باید بداند که خودش معانی را خلق می‌کند (گال، ۱۳۸۷: ۶۲۴). چون مذاکرات خبرگان منجر به خلق سندی به نام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد، به تحلیل متن مذاکرات به‌عنوان یک سند مادر در جریان انقلاب خواهیم پرداخت.

۳) تحلیل گفتمان

ریشه مفهوم *discourse* را می‌توان در فعل یونانی *discuttete* به‌معنی حرکت سریع در جهات مختلف (*dis*) در جهت مختلف و *cuttete* دویدن یا سریع حرکت کردن) یافت (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶). گرچه این مفهوم به‌معنی تجلی زبان در گفتار یا نوشتار به‌کار برده می‌شود، ولی همان‌طور که از ریشه آن پیداست در علم بیان کلاسیک، بر زبان به‌عنوان حرکت و عمل تأکید می‌شده است. معادل‌های فارسی تحلیل گفتمان را می‌توان واژه‌های مقال، سخن، کلام، سخن‌کاوی، سخن‌سنجی و تحلیل کلام برشمرد. برخلاف دستور زبان که با عبارت‌ها و جمله‌ها سروکار دارد، گفتمان به واحدهای زبانی بزرگ‌تر چون بند، مصاحبه، مکالمه و متن نظر دارد. موضوع تحلیل گفتمان عبارت است از این‌که چگونه جمله‌ها در زبان گفتاری

و نوشتاری باعث تولید واحدهای معنادار بزرگ‌تری مانند بند، مکالمه و مصاحبه می‌شوند. در این معنا، گفتمان عبارت است از زبان به هنگام کاربرد به‌منظور برقراری ارتباط؛ و تحلیل گفتمان عبارت است از جست و جو برای یافتن آنچه به گفتمان انسجام می‌بخشد (آفاگل زاده، ۱۳۸۵: ۸).

از این‌رو گفتمان یک مقوله ارتباطی در نظر گرفته می‌شود. درحقیقت، کلام در بستر گفتمان شکل می‌گیرد. گفتمان‌ها اعمالی هستند که به‌طور سیستماتیک موضوعاتی را شکل می‌دهند که خود سخن می‌گویند. گفتمان‌ها درباره موضوعات، صحبت نکرده و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند؛ آن‌ها سازنده موضوعات بوده و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌دارند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۸). از این‌رو، معنابخشیدن و تعریف از طریق موقعیت‌های اجتماعی به‌دست می‌آید که از جانب به‌کارگیرندگان گفتمان‌ها اشغال شده است. بنابراین، معانی و مفاهیم، نه از درون زبان، بلکه از درون اعمال تشکیلاتی و ارتباطات اجتماعی / سیاسی قدرت ناشی می‌شوند. گفتمان، عبارت از پدیده، مقوله یا جریان اجتماعی است. به تعبیر بهتر، گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه‌ای اجتماعی است. اظهارات و مطالب بیان‌شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح‌شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها، جملگی بستگی به این نکته دارند که مطالب بیان‌شده، گزاره‌های مطرح‌شده، قضایای مفروض و دیگر مطالب، کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر، بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به‌شمار می‌روند (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۵۶-۵۵). گفتمان، صورتی خاص، هم از کاربرد زبان و هم از تعامل اجتماعی است. تحلیل گفتمان را بر اساس مقوله کنش نیز می‌توان تعریف نمود. از این زاویه، تحلیل گفتمان به‌مثابه کنش جاری اجتماعی با تأکید بر نظم و سازمان است (دایک، ۱۳۸۲: ۸۰). کنش اجتماعی در انتزاع صورت نمی‌گیرد. به این معنا که کنش در زمینه یا بافتی اجتماعی روی می‌دهد، بنابراین متأثر از قدرت و ایدئولوژی نهفته در درون بافت می‌شود. کنش عبارت است از نیت‌مندی، جهت‌مندی و هدف‌مندی گوینده و شنونده و به‌نوعی زاویه دید و تعامل میان آن‌دو را نشان می‌دهد (دایک، ۱۳۸۲: ۹۶-۹۰).

بافت به‌معنای محیط شرایط و بستر رخ‌داد کنش گفتمانی است. بافت، موقعیت‌مندی

و به عبارت دیگر پشت صحنه، مکان، محیط، شرایط یا دلایل عمل را بیان می‌کند. از این رو، بافت، دربرگیرنده رخ دادن و محقق شدن یک موقعیت اجتماعی است که سه عنصر این رخداد، یعنی مشارکت کنندگان، فضا و صحنه یعنی زمان و مکان و موقعیت گوینده اعم از خصوصی/عمومی و رسمی و غیر رسمی بودن آن و ابزار و وسایل صحنه را در خود قرار می‌دهد. در کنار هم بودن همه این عوامل سبب می‌شود ژانر گفت و گویی خاص بر صحنه حاکم شود (دایک، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۹۶). تحلیل گفتمان رویکردی است مبتنی بر تأکید بر ویژگی‌های نظام‌مند پدیده‌ها و به‌ویژه ارتباط میان عناصر یک نظام. در این دیدگاه کل، از مجموعه اجزاء آن بزرگ‌تر است. واقعیت اجتماعی نه در اشیاء بلکه در روابط میان آن‌ها تحقق دارد. از این رو کلمات به واقعیتی مستقل و عینی اشاره ندارند. واقعیت اجتماعی را از طریق مطالعات مقاطع خاص بهتر می‌توان فهمید تا از طریق تحلیل تاریخی. معنا در ارتباط‌های میان کلمات نهفته است؛ به‌گونه‌ای که در نقطه خاصی از زمان تحقق می‌یابد (گال، ۱۳۸۷: ۱۱۹۸-۱۱۱۰). بنابراین تحلیل تاریخی ارتباطی با فهم معانی رایج ندارد.

هدف تحلیل گفتمان متن مکتوب، عبارت است از آشکار کردن هنجارها و قواعد پنهان در تولید زبان. این نوع تحلیل به‌ویژه علاقه‌مند است بدانند که چگونه گفتمان متشکل از مجموعه‌ای از واحدهای سلسله‌مراتبی است که ساختار گفتمانی را می‌سازند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۸). از این رو تحلیل گفتمان در تلاش است تا از یک سو پیوند میان نویسنده، متن و خواننده را و از سوی دیگر ساختار عمیق و پیچیده تولید متن را برای آشکارسازی تأثیر بافت متن و بافت موقعیت بر روی گفتمان نشان دهد (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۲). متن‌ها در موقعیتی خاص تولید می‌شوند و رنگ خالق خود را دارند.

روش تحلیل در این پژوهش، بر مبنای روش تحلیل انتقادی گفتمان است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست بررسی می‌کند. عواملی هم‌چون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نمادهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیک، متن یا صورت زبانی و معانی جدید را به‌وجود می‌آورند. در این راستا، تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را به‌عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتاری و نوشتاری مطالعه می‌کند. در این رویکرد، زبان آن آینه شفاف نیست که حقایق را بنمایاند، بلکه شیشه مات است که حقایق را تحریف می‌کند و چگونگی تحریف آن در اراده قدرت‌های پنهان و آشکار حاضر در نمادهای اجتماعی

نهفته است (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: مقدمه، نه). این امر ناشی از دراختیار داشتن قدرت و ایدئولوژی در کنترل اذهان و اعمال است. وظیفه تحلیلگر زبان شناس انتقادی این است که با پرده افکندن از صورت ظاهر متون، معانی نهفته در واژه‌ها و جمله‌ها را بازنمایی سازد.

از برجسته‌ترین زبان‌شناسان نقاد می‌توان به فرکلاف اشاره کرد. اهمیت فرکلاف در مطالعات گفتمانی، کار اوست در فراتر بردن متن از سطح صرف زبان‌شناختی و برقراری نسبتی روش مند میان متن و زمینه اجتماعی آن. فرکلاف در مقابل زبان‌شناسی صورت‌گرا که با تحلیل و توصیف زبان در سطح جمله سروکار دارد گفتمان را چیزی بیشتر از کاربرد زبان می‌داند. از نگاه او، کاربرد زبان، خواه به شکل گفتاری خواه نوشتاری، عملی اجتماعی تلقی می‌شود (همان: ۲). او، در واقع، گفتمان را از سطح جمله فراتر برده و آن را در بستر اجتماعی شکل دهنده آن واکاوی می‌کند. بر اساس روش وی، در مرحله تفسیر متن، به چهار نکته اساسی باید توجه داشت. ظاهر کلام (آواها و نشانه‌ها، عبارات و جملات)، معنای کلام (دادن معنا به اجزای متن)، انسجام موضعی (برقراری ارتباط معنایی بین گفته‌ها و کلام‌ها) و ساختار و جانمایه متن یا پیوند اجزا با یکدیگر و بیان چگونگی انسجام فراگیر متن (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۹-۲۱۷).

۴) بررسی مفهوم‌ها: انقلاب و صدور انقلاب

انقلاب به‌مثابه یک دگرگونی بنیادین در ساختارهای جامعه، از نظر برخی نویسندگان، در حکم نقطه عطفی تاریخی قلمداد می‌شود. مفهوم جدید انقلاب از این تصور جداشدنی نیست که سیر تاریخ ناگهان از نو آغاز می‌گردد و داستانی سراسر نو که هیچ‌گاه قبلاً گفته یا دانسته نشده است به‌زودی شروع خواهد شد (آرنت، ۱۳۸۱: ۳۶). هر انقلابی در مسیر خود منجر به بروز تحولاتی در درون جامعه می‌شود. از آن‌جا که انقلاب به‌معنای تغییری بنیادی در ساختار اجتماعی است، منجر به استحاله ارزش‌ها در جامعه می‌شود که این امر به‌نوبه خود دگرگونی نمادها را به‌وجود می‌آورد. از سوی دیگر، انقلاب منجر به فروپاشی رژیم سابق و جای‌گزینی انقلابیون در هیأت رژیم انقلابی جدید می‌شود. بنابراین صورت‌بندی رهبری و نخبگان حاکم تغییر می‌یابند. در چنین فضای پرتنش، حاکمیت رفتار خشونت‌آمیز، اقتضای فضای پس از انقلاب است. در واقع، انقلاب عبارت است از نوعی بسیج کلیت جامعه

به صورت انقلابیون ناخرسند سازمان یافته که به دنبال تحقق خواست‌های انقلابی خود تا مرحله فروپاشی نیروی زور و اجبار حکومت و ساختار سیاسی پیش می‌روند و نظم و طرح نویی درمی‌اندازند.

در توصیف مراحل انقلاب، ناآرامی و نارضایتی توده‌ای ناهماهنگ و درهم‌وبرهم، مخالفت سازمان یافته با هدف‌های معین به همراه پیوستن روشنفکران، روشن شدن انگیزه‌ها و هدف‌ها و سازمان و تشکیلات و ظهور رهبر سیاسی، جنبه قانونی انقلاب و پیروزی انقلابیون برشمرده می‌شود (کاپلان، ۱۳۷۵: ۶۱-۶۰). چهار مرحله در مسیر یک انقلاب چنین است: آمادگی، به معنای دستیابی به توافق بر سر انتقال قهرآمیز قدرت به گروه دیگر در میان گروه‌ها و توده‌ها؛ اقدام، یا خود رویداد یا سقوط دولت براساس حرکات قهرآمیز؛ تحکیم، یا مرحله از پی تغییر قدرت و استحکام پایه‌های قدرت جدید؛ و برنامه، یا اجرا برای تغییر نظم اجتماعی طرح‌ریزی شده (کالورت، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۰). از نظر برخی، انقلاب رویداد است، یعنی به یک‌باره آغاز می‌شود، پس پیش‌بینی‌پذیر و اجتناب‌پذیر است. اما، از نظر برخی دیگر، انقلاب به صورت پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر رخ می‌دهد، بنابراین فرآیندی است که در آن نیتی در میان نبوده و انقلابیون بر موج زمان و کنش‌های لجام‌گسیخته و کنترل‌ناپذیر انقلاب سوار بوده‌اند. هر چند انقلاب را باید بیشتر به عنوان فرآیند تصور کرد تا به عنوان رخداد، در یک انقلاب، انقلابیون بی آن‌که قصد داشته باشند فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

یکی از مسائلی که درباره انقلاب‌ها مطرح می‌شود، مسأله تعامل انقلاب‌ها با محیط بین‌المللی است. بعد از وقوع انقلاب و البته همزمان با آن، مسأله برخورد با نظام بین‌الملل برای انقلاب‌ها پدید می‌آید. به بیان بهتر، انقلابیون ناگزیر از واکنش بین‌المللی می‌شوند، چون باید به نظام بین‌الملل برای کاری که کرده‌اند، پاسخی معنادار دهند، مخصوصاً اعتقاد انقلابیون بر این است که اصول انقلاب برای جوامع دیگر نیز کاربرد دارد. به واقع اگر آرمان‌های انقلاب، آرمان‌هایی جهانی و فطری نظیر عدالت، احیای تمدن بر اساس اندیشه خاص دینی یا گسترش آرمان‌های دموکراتیک باشد، امکان گرایش به تکرار انقلاب در کشورهای دیگر افزایش می‌یابد. این حالت مربوط به صدور طبیعی انقلاب‌هاست. به عبارتی، صدور انقلاب از طبیعت انقلاب‌ها برمی‌خیزد. انقلابیون در طول تاریخ همگی کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را

ترویج دهند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰۹). بر این اساس، صدور انقلاب عبارت است از سعی انقلابیون برای تبدیل پیام‌ها و رسالت بالقوه انقلاب، به حالت بالفعل. یعنی، انقلابیون می‌خواهند روح کلی مضامین انقلاب را که در حال حاضر در کشورشان تجسّم یافته است، به حرکت درآورند و پیام‌ها و اهداف خود را در دیگر کشورها علنی کنند. صدور انقلاب نقطه عطف را میسر می‌سازد و از این رهگذر، انقلابیون انسجام خود را بازمی‌یابند. انقلابیون همگی در پی گسترش انجیل انقلاب‌هایشان هستند. آنچه ما ملیت‌گرایی می‌خوانیم، بی‌گمان به‌عنوان یک عنصر در میان همه این انجیل‌های انقلابی حضور دارد. مردم خوشبختی که انجیل انقلابی بر آن‌ها آشکار شده است، می‌خواهند این خوشبختی را به خارج نیز بگسترانند (بریتون، ۱۳۶۲: ۲۲۶)؛ چرا که باور دارند صدور انقلاب به خارج مرزها به انسجام داخلی کمک می‌کند. رهبران انقلاب اجتماعی، مفاهیم فارغ از زمان را برمی‌انگیزند، جرح و تعدیل می‌کنند و به آن‌ها شکل می‌دهند تا بدان وسیله مردم را به حرکت درآورند. آرمان‌های عدالت‌خواهی، آزادی و برابری، مردم‌سالاری، فرصت‌یابی و رهایی (از بیم و گرسنگی و بیماری) از آرمان‌های قدرتمند و جذاب در جهان است و برخی از انسان‌ها که از خطر فقدان آن‌ها آگاهی می‌یابند، برای تغییر دنیای پیرامون خود به مبارزه برمی‌خیزند. در واقع آرمان‌های انقلابی به طلسم یا محکی می‌مانند که مردم و انقلابیون را در مسیر مبارزه دشوار به حرکت درمی‌آورند (فوران، ۱۳۸۲: ۱۷۱). باید اذعان کرد که صدور انقلاب برنامه‌ای است که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب در جهت تأثیرگذاری بر سایر جوامع اتخاذ می‌گردد.

مفهوم صدور انقلاب با توجه به نوع انقلاب متفاوت است. انقلاب‌ها نظم بین‌المللی موجود را برهم می‌زنند، اما همه انقلاب‌ها به یکسان چنین تأثیری ندارند. بیوند انقلاب و نظام بین‌الملل دوسویه است؛ از سویی، انقلاب‌ها بر نظام بین‌المللی تأثیر می‌گذارند؛ و از سوی دیگر، نظام بین‌الملل بر انقلاب‌ها اثرگذار است. به این معنا که انقلاب‌های بزرگ کلاسیک، دگرگونی‌های عمده‌ای در توازن قدرت سیاسی در سطح بین‌المللی به وجود می‌آورند و در کنار این امر، دگرگونی‌های سیاسی در درون دولت‌ها نیز در سطح بین‌المللی بازتاب می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۱۷۶). در حقیقت نظم درونی و بیرونی یک نظام سیاسی به واسطه انقلاب دست‌خوش تغییر می‌شود. هر چند در این میان نمی‌توان انقلاب‌ها را پدیده‌هایی متجاوز قلمداد کرد. اخلال‌گرترین انقلاب‌ها

آن‌هایی نیستند که از طریق تجاوز گسترش می‌یابند، بلکه انقلاب‌هایی هستند که از طریق ایجاد جرقه انقلاب‌های پیوسته در دیگر کشورها گسترش می‌یابند، یا به گونه‌ای واقعی تهدید به گسترش می‌کنند. به عبارت دیگر عامل برهم‌زننده نظم بین‌المللی صرفاً این نیست که یک رژیم انقلابی ایدئولوژیک، به دنبال برقراری رژیم‌های مشابه خودش در دیگر کشورها باشد؛ بلکه، این نکته مهم است که ایده انقلابی در دیگر کشورها طنین‌انداز گردد و نیروهای قدرت‌مندی برای تحقق این ایده‌ها ظاهر شوند (کاتز، ۱۳۸۵: ۲۲۲-۲۲۱).

ایده انقلابی جرقه‌ای است که آتش نارضایتی را شعله‌ور می‌سازد. وقتی ایده‌های انقلابی به کشورهای دیگر سرایت می‌کنند و ملت‌ها جذب‌شان می‌شوند، می‌توانند به پیشبرد انقلاب‌ها کمک کنند و امواج جدیدی از انقلاب‌ها را با اهدافی مشابه خلق کنند. ایده‌های انقلابی منجر به شکل‌گیری ایدئولوژی می‌شوند که در درون جامعه مقاومتی را در برابر گفتمان مسلط بازتولید می‌کنند و امواج انقلابی را به جوش و خروش می‌آورند. یک موج انقلابی می‌تواند دارای یک انقلاب محوری باشد که تصویری از تغییر نظام بین‌المللی موجود را با الهام‌بخشی به یک سلسله از انقلاب‌های مشابه خود و با هدایت این گروه از دولت‌های انقلابی ارائه می‌کند. انقلاب محوری، به ایجاد جرقه انقلاب‌های پیوسته منتج می‌شود. صدور انقلاب می‌تواند بر اساس آرمان‌های جهان‌شمول و پیام جهانی با جلوگیری از خطر ضد انقلاب بالقوه یا بالفعل و نگرانی از سست بودن قدرت انقلابیون در صورت محصورشدن در چهارچوب مرزهای داخلی و نیز نگرانی شکست در نتیجه نظام ناعادلانه بین‌المللی باشد (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۲۱). صدور انقلاب نگاه‌ها را به بیرون مرزها متوجه می‌کند و از انشقاق در صفوف انقلابیون می‌کاهد.

برخی نظریه‌پردازان معتقدند صدور انقلاب امری اجتناب‌ناپذیر است، چرا که انقلابیون در طول تاریخ همگی کوشیده‌اند که اصول انقلاب خود را ترویج کنند. بنابراین می‌توان این حکم کلی را صادر کرد که گویا صدور انقلاب پیامد طبیعی شور انقلابی است، به‌ویژه به سبب آن که انقلابیون، حق به‌جانب هستند و نیز تندرهای متدین و موفق، مجاهدان، سرسپردگان، پارسایان و مردانی هستند که می‌خواهند بهشت را به زمین بیاورند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۸۵). شور انقلابی با انگیزه نجات آدمیان و ساختن بهشت موعود، برانگیخته‌تر می‌شود. صدور انقلاب تمایل رهبران و رهروان

انقلاب بعد از پیروزی است به بسط ایدئولوژی انقلابی‌شان که نشأت گرفته از ذات ایدئولوژی‌هاست که همواره عام‌گرا و مطلق‌نگر هستند. قدرت ایدئولوژی انقلابی قادر به تولید انرژی عظیمی است که نگاه‌ها را متوجه آن سوی مرزها می‌کند. صدور انقلاب در ارتباط با سرشت نظم گفتمانی توجیه‌پذیر است. تلاش برای هویت‌بخشی و تحدید مرزهای سیاسی از سوی گفتمان مسلط است به وسیله ضدیت با دیگر بودهای خود. در یک نظم گفتمانی، هستی گفتمان‌ها به غیریت‌سازی و تلاش برای بقا، یا نیل به مرتبه هژمون بستگی دارد. هر ایدئولوژی که قابلیت دسترسی، مشروعیت و اعتبار بیشتری در معانی خود داشته باشد، گفتمان‌های ضعیف‌تر را طرد می‌کند.

طرح مسأله گسترش و صدور انقلاب از سه جهت قابل بررسی است: ایدئولوژی‌ها به علت پیوند با قدرت تمایل به گسترش و بسط حوزه نفوذ خود دارند و در واقع ابزار قدرت‌ها در اقتناع بشر به اطاعت از خود هستند؛ گفتمان انقلاب به وسیله برجسته‌سازی غیرهای خارجی در فرآیند صدور انقلاب برای حذف و طرد آن‌ها، در حقیقت تلاش‌های رقبای داخلی را به حاشیه می‌راند، به وسیله انتساب شان به غیریت‌های خارجی و در نتیجه به تداوم و بقای خود در جایگاه هژمون می‌پردازد؛ و صدور انقلاب را باید همچنین در پیوند با موارد قبلی به خصوص بازتاب انقلاب‌ها دید، یعنی از منظر گفتمان‌های رقیب خارجی. چرا که گفتمان انقلابی (مانند ایران) در صورتی که غیریت گفتمان هژمون بین‌المللی باشد، از سوی دولت‌های متأثر از ایدئولوژی و قدرت هژمون بین‌الملل، تحت فشار قرار می‌گیرد. زیرا آن‌ها نیز با توجه به نسبی بودن تثبیت گفتمان خود در جایگاه مسلط جوامع‌شان، نگران بروز بحران و در نتیجه فرصت برای گفتمان‌های رقیب داخلی خود هستند که با دراختیار گرفتن دال‌های شناور و احیای معانی چندگانه عناصر و ارائه آن‌ها در صورت‌بندی مقبول، مشروعیت نظام و گفتمان مسلط را زیر سؤال ببرند. در نتیجه شروع به تهدید معانی و به خصوص کارآمدی رژیم انقلابی می‌کنند تا سبب سقوط آن شوند و جلوی بروز بحران در جوامع خویش را بگیرند. در مقابل، رژیم انقلابی هم برای معرفی خود و نیز دفاع از بقاء در جایگاه هژمونیک کمابیش کسب شده، اقدام به صدور معانی و ارزش‌های خود می‌کند تا در ورای مرزهایش، حامیانی برای خود ایجاد کند و به این وسیله قدرت مانور گفتمان‌های رقیب را کاهش و قدرت چانه‌زنی خویش را افزایش دهد. بنابراین به نظر می‌رسد هر چه غیریت یک گفتمان انقلابی قدرتمندتر و

حوزه هژمونیک آن وسیع‌تر باشد، انتشار امواج انقلاب در طول زمان و مکان بیشتر خواهد بود. زیرا هر گفتمانی با «دیگر بود» خود تعریف و مرزهای سیاسی و هویتش را تعیین می‌کند.

اما دلیل ایجاد امواج انقلابی چیست؟ چرا انقلابیون سعی دارند انقلاب خود را صادر کنند؟ انقلابیون در واقع انقلاب را مانند موجود زنده‌ای می‌دانند که در درون آن رشد یافته، خارج شده و وارد محیط جدیدی می‌شوند و با استفاده از منابع محیط‌های دیگر، بقای خود را حفظ می‌کنند. انقلابیون معتقدند که محصور ماندن انقلاب در محیط داخلی نه تنها مانع رشد انقلاب می‌شود، بلکه به علت مشکلات محیطی و کمبود منابع مادی و معنوی انقلاب، دچار استحاله شده و فرو می‌ریزد. انقلابیون به امید بقای انقلابشان، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار می‌دهند. در حقیقت هر انقلابی که به حقایق خود اعتقاد داشته باشد، آرزوی جهانی شدن خود را می‌کند، یعنی خواستار آن می‌شود که دیگر خلق‌ها نیز از آن سرمشق بگیرند و برای رهایی خود به‌پاخیزند. منظور از صدور انقلاب به دیگر کشورها، کشورگشایی و تحمیل اراده و اشغالگری نیست. اصولاً هر انقلابی مرکب از دو بخش است: خراب کردن نظام اجتماعی کهنه و ایجاد نظام جدید انقلابی. همه انقلاب‌های واقعی جهان از طریق نوسازی انقلابی جامعه خود و حل انسانی و انقلابی مسائل جامعه خود و بدین وسیله از طریق تبدیل کشور خود به سرمشق زنده حل دردها و نیازها و مشقات جامعه، تأثیر انقلابی خود را به دیگر کشورها بخشیده‌اند، یعنی خود را صادر و یا به بیان دیگر، ترویج کرده‌اند. پیشروی انقلاب قبل از هر چیز به معنی تعمیق انقلاب در داخل خود کشور است و ترویج انقلاب به دیگر کشورها نیز به این مسأله بنیادی (تعمیق مداوم و بی‌وقفه محتوای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انقلاب در خود کشور) بستگی دارد. هر چند در این میان نمی‌توان از نقش ایدئولوژی انقلابی غفلت کرد. ایدئولوژی‌های اکثر دولت‌های انقلابی حاوی مضامین جهان‌گرایانه قدرتمندی هستند. مخصوصاً اعتقاد انقلابیون بر این است که اصول انقلاب برای جوامع دیگر نیز کاربرد دارند. آنچه در صدور انقلاب، پتانسیل لازم را محقق می‌سازد، وجود ایدئولوژی جهان‌شمول و فراگیری

۱. در این زمینه مارک کاتز نوشته است: هر انقلاب می‌تواند به دو موج تعلق داشته باشد. موج موافق و موج مخالف. موج انقلابی موافق شامل انقلاب‌هایی است که شکل خاصی از حکومت یا نظام اجتماعی اقتصادی نظیر دموکراسی، مارکسیسم، لنینیسم، ناسیونالیسم عرب یا بنیادگرایی اسلامی را برقرار می‌کنند یا با جدیت برای برقراری آن تلاش می‌کنند. موج انقلابی مخالف از انقلاب‌هایی تشکیل شده است که شکل خاصی از حکومت یا نظام اجتماعی / اقتصادی را برمی‌اندازند که به صورت ضد پادشاهی، ضد مستعمراتی، ضد غرب و ضد دیکتاتوری هستند (کاتز، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

است که «ما» و «آن‌ها»، «خیر»، «شر» و تقابل‌هایی دوتایی را ایجاد می‌کند و به صاحبان خود وعده یوتویایی را می‌دهد که در آن برابری، آزادی و همه ارزش‌های خوب هرچند نامتجانس و ناهماهنگ، در کنار هم وجود دارند و پیوند، تلفیق، ترکیب همه خواست‌ها و انتظارات باهم، امری شدنی است. ایدئولوژی انقلاب‌ها را می‌توان به دو نوع ملی و فراملی تقسیم کرد. بر همین اساس، در بعد نفوذ، قدرت اقتناع‌کنندگی و بسیج نیز به صورت ملی و فراملی قابل طبقه‌بندی هستند. هرچند این انقلاب‌ها می‌توانند با پیام فراملی یا بدون آن باشند (محمّدی، ۱۳۸۵: ۵۸). ماهیت اسلامی انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی، این انقلاب را از همان آغاز، به یک ایدئولوژی فراملی تبدیل ساخت؛ یک ایدئولوژی با محتوا و پیام جهانی که حداقل در میان یک میلیارد مسلمان آن روز دارای گوش‌های شنوای پذیرنده بود.

(ب) متن

(۱) زمینه تاریخی پیدایش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تصویب نهایی قانون اساسی در همه‌پرسی آذرماه ۱۳۵۸، به طوری رسمی ساختار نظام سیاسی / حقوقی جمهوری اسلامی به جای قانون اساسی مشروطیت به‌عنوان نظم سیاسی و حقوقی پیشین، استقرار یافت. بدون درنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسأله‌ای که از ماه‌های پایانی اضمحلال نظام شاهنشاهی با تأکید بسیار، مورد توجه قرار می‌گرفت - یعنی آیا قانون اساسی مشروطیت می‌تواند با اندک تغییرهایی همچنان اجرا گردد و یا می‌بایست به‌طور کلی قانون اساسی جدیدی تدوین شود - مطرح شد و مطمح نظر انواع گروه‌های سیاسی قرار گرفت. تدوین قانون اساسی، شش گام داشت که عبارت بودند از: ارائه پیش‌نویس قانون اساسی به افکار عمومی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، بحث و بررسی پیش‌نویس قانون اساسی در گروه‌های هفت‌گانه و کمیسیون‌های سیزده‌گانه مجلس خبرگان طی شصت و هفت جلسه، مرحله رسیدگی نهایی چهارروزه در مجلس خبرگان، تصویب نهایی متن قانون اساسی توسط مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴، همه‌پرسی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۱۱ و ۱۲ آذرماه پنجاه و هشت و تأیید نهایی توسط ملت.

سازمان، رهبری و ایدئولوژی ابعاد اصلی روند بسیج انقلابی هستند. ایدئولوژی‌های

انقلابی اگرچه ممکن است براساس دستگاه‌های فکری بنا شده باشند ولی به طوری بنیادین پی‌جوی پیامدهای عملی هستند. کارویژه ایدئولوژی، حرکت‌زایی و حرکت‌آفرینی است، بنابراین از هر منبعی که تغذیه کند متضمن آن عناصری از منبع معین می‌گردد که تشویق به حرکت و قیام کنند و عناصر سکون‌آور را گرچه متعلق به همان منبع باشد رها می‌کنند. این کار را دستگاه‌های ایدئولوژیک از طریق ساده‌سازی پیچیدگی‌های واقعیت، عرضه راه‌حل‌های ساده، ارائه داوری‌های ارزشی و تأکید بر بخشی از واقعیت به بهای فراموش کردن بخش‌های دیگر انجام می‌دهند. ویژگی دراماتیک دستگاه‌های ایدئولوژیک در تعیین حق و باطل و یانیکی و شر، به آن‌ها به‌سادگی اجازه آماده‌سازی و زمینه‌سازی ایجاد فضای دوقطبی را در هر جامعه‌ای می‌دهد. ایدئولوژی بسیج‌توده‌ای در انقلاب ایران به نیازهای روحی و روانی انبوه‌های جابه‌جا شده مردمی پاسخ می‌داد که در نتیجه دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی شبه‌غربی، توسعه ناموزون دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ اصلاحات ارضی، صنعتی‌شدن سریع، درآمد نفتی فوران یافته با مهاجرت‌های وسیع و بی‌شکل از روستا به شهر، آماده هرگونه تحول شده بودند، به‌ویژه آن‌که در چنین فضایی، نهضتی پدید آمده بود که جامعه‌ای نوین و آرمانی را نیز وعده می‌داد. این ایدئولوژی که از حمایت اتحاد انقلابیون با فرهنگ‌های سیاسی گوناگون پدید آمده بود، این اجازه را به پدیداری آمیزه‌ای فعال و گسترده از ملی‌گرایی، طرفداری از عدالت اجتماعی و قوه مذهبی می‌داد تا راه برای اتحاد طبقات چندگانه در انقلاب اسلامی فراهم آورد. دستگامی چندوجهی از ذائقه‌های متفاوت ایدئولوژیک که هم غرب‌ستیز بود، هم به اسلامی کردن جامعه می‌اندیشید، هم بر مسائل اخلاقی و فرهنگی تأکید می‌کرد، هم وجوه مبارزه علیه استبداد را در خود می‌پروراند، هم بر عناصر جامعه‌گرایانه و عدالت‌جویانه اصرار می‌ورزید و هم خود را نیازمند رهبری می‌دانست. صعود چنین گفتمان بسیج‌گرانه و انقلابی دست کم به قدرت چنین دستگامی از ایدئولوژی بازگشت داده می‌شد که هم شمول و هم قدرت هاضمه فراوان دارد.

مجلس خبرگان قانون اساسی، نماینده دکترین امامت محسوب می‌شد. مذاکرات آنان نشان می‌دهد که از همان آغاز، اراده واضعان بر آن بوده است که قانون اساسی مقید، منحصر، معطوف و محدود نوشته شود. در پیام امام خمینی به مجلس خبرگان

چنین نوشته شده بود که ملت با شعارهای الله اکبر خود فقط جمهوری اسلامی را خواسته‌اند. بنابراین با توجه به مراتب فوق، قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد براساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم بر خلاف احکام اسلام باشد تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است. تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام منحصرأ در صلاحیت فقهای عظام است. بنابراین به‌زعم خبرگان، که اکثریتی هفتاددرصدی از آنان را فقهای عالی‌رتبه حوزوی تشکیل می‌دادند، از یک سو، ما هیچ قانون بین‌المللی را نمی‌پذیریم و هیچ سنت دیرینه را نیز؛ و از دیگر سو، غرض نباید آن باشد که لفظ‌های به‌کاررفته در متن قانون اساسی محمل‌های زیادی داشته و به تعبیر قرآن، حمّال ذوجوه باشند. بنابراین، جعل قانون در برابر وحی آسمانی خروج از دین است. با این حال پیش‌نویس مزبور باید صددرصد اسلامی درآید و مواد آن با قرآن و سنت تطبیق داده شود. این قانون اساسی می‌بایست روح اسلام و اسلام‌گرایان را درست عرضه کند و هیچ اصلی در آن پذیرفته نشود مگر این که مستند به قرآن کریم و یا سنت پیامبر اکرم (ص) و یا روش ائمه معصومین علیه‌السلام باشد؛ زیرا این قانون اساسی مولود انقلاب اسلامی است و انقلاب اسلامی هم، در جهان اسلام شاید بعد از قرن اول و مسأله بعثت و مسائل بعد از بعثت، در دنیا بی‌نظیر است.

معلوم است که این روش بیان، از باور ایدئولوژیک و اصول‌گرای مذهبی برخاسته و ثمره خود را نیز در گفتارهایی پرشکوه در همان مجلس، نشان داده است: این مطالب را که عرض می‌کنم درست فکر کنید و ببینید که اگر حقیقت دارد بر طبق آن عمل کنید. حقایق غیر آن چیزی است که مُد روز می‌پسندد. حقایق یک مطالبی است که از انبیاء گرفته می‌شود، از وحی گرفته می‌شود، از اولیاء گرفته می‌شود، ما آن‌ها را به‌نحو اجمال می‌گوییم و دیگر شما را به خدای متعال می‌سپارم.

محصول کار خویش را حتی بدون آن‌که در آغاز در داخل محدوده یک کشور بیازماید، آینده‌نگرانه و جهان‌وطنانه به شیوه‌ای خودبرتربینانه برای تمامی جهانیان مفید و بلکه واجب‌الاجرا تلقی می‌کند: بایستی به شکل قانون ایران درآید و شکل قانون ایران را پیدا کند. جامعه، کدام جامعه؟ انسان، هر انسان؟ همه انسان‌ها؟ (نمایندگان - همه انسان‌ها). اگر یک چیزهایی باشد که درمان کلّ جهان تشخیص بدهیم و در قانون اساسی خودمان بیاوریم، چون یک معیار واقعی و حقیقی و جهانی است به دنیا

یک معیار جهانی عرضه می‌کند^۱ (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۱۴۴۹).

۲) فضای ایران پس از انقلاب

انگاره‌ها و کاریکاتورها به نوعی، فضای گفتمانی را نشان می‌دهند. امیراحمدی با بررسی انگاره‌ها و کاریکاتورهای نشریه امام که دربرگیرنده مجموعه‌ای متشکل از ۱۲۵۳ انگاره دیداری شامل تصاویر، کولاژها و تصاویری کلیشه‌ای است فضای پس از انقلاب را چنین ترسیم می‌کند: در بررسی این انگاره‌ها مشخص می‌شود که گفتمان غالب همان گفتمان غیریت‌ساز است. بررسی فضای گفتمانی بازگوکننده این نکته است که فضای تاریخی سیاسی پس از انقلاب نشان‌دهنده فساد شیطانی و قدرت در حال سقوط علی‌رغم حضور فراگیر ابرقدرت‌ها در مقابل ظهور پیروزمندانه اسلام است. آری تنها اسلام حائز ارزش است، تمامی ملت‌ها و نظام‌ها، بی‌فایده و فاسد و نهایتاً در مقابل قدرت اسلام، ضعیف هستند (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). تحوّل تاریخی که در این مقطع زمانی اتفاق افتاد، عدم پذیرش هر دو سیستم شرق و غرب بود. تمامی دنیای شرق و غرب نظام امپریالیسم خوانده می‌شود. از همین روست که اسلام در کانون دالّ گفتمان انقلاب می‌نشیند و نظام سلطنت به‌عنوان دگر ایدئولوژیک اسلام در مقام طرد و حاشیه‌رانی قرار می‌گیرد.

اسلام، ایدئولوژی یک انقلاب می‌شود. بنابراین دین و سیاست دو عنصر غیر قابل تفکیک در باور انقلابیون می‌شوند. در این مقطع زمانی، این ایدئولوژی است که ساحت ذهنی انقلابیون را شکل می‌دهد. از سویی، به انسجام گروهی و بازتولید همبستگی کمک می‌کند و از سوی دیگر، مرز میان خوب و بد و خودی و دیگری را تعیین می‌کند. ایدئولوژی اسلامی با تأکید بر اسلام به‌مثابه الگوی رفتار اجتماعی و سیاسی بر همه الگوهای غیر دینی که بر جدایی دین از دولت تأکید دارند خطّ بطلان می‌کشد و یگانه عامل دستیابی به برتری مسلمین را منوط به بازگشت و حاکمیت دین الهی و طرد سایر مکاتب بشری از جمله مارکسیسم و سوسیالیسم می‌داند. این امر سبب آن شد که اسلام به‌مثابه چتر گشاده‌ای تصور شود که می‌بایست اجتماع مؤمنان را امان دهد.

در کانون قرار گرفتن اسلام به‌عنوان دالّ مرکزی گفتمان انقلاب منجر به گشاده‌تر

۱. تعبیر دیگری را نیز از سمت‌سویی دیگر می‌توان مشاهده کرد. این دیدگاه معتقد است تمام مردم ستم‌دیده و عدالت‌طلب جهان نسبت به انقلاب اسلامی علاقه و میل به تأسی دارند. بنابراین قانون اساسی ما به‌عنوان قانون اساسی همه مسلمانان و معترف نظام حکومتی اسلام خواهد بود و ساده‌انگارانه چون می‌خواهد همه مسلمانان دنیا را زیر پوشش درآورد، آزادی را برابر با تعبیرهایی چون اختیار، امر به معروف و نهی از منکر، و دستور مشورت می‌گیرد (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴: ۷).

شدن زمینه اجتماعی گفتمان انقلابی شد. از این رو گفتمان حاکم بر انقلاب ایران را به نوعی می توان گفتمانی بسط محور نامید. ماهیت انسانی و رویکردهای ایدئولوژیک انقلاب باعث شده بود تا انقلابیون به مرزهای بیرونی و غنی سازی آن توجه اساسی داشته باشند. در طول دوره اول، امنیت نظام بسیار بسیط تعریف می شد و دامنه آن به کل جامعه بشری پیوند می خورد. در واقع انقلابیون از یک سو، امنیت نظام را در بر طرف سازی بسیاری از روش ها و اصول جاری در نظام بین الملل تعریف می کردند و از سوی دیگر به دنبال تحقق نظم نوینی بر مبنای ایدئولوژی اسلامی در سراسر منطقه و جهان بودند (پورزرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۱-۲۲۰). داعیه جهان شمولی از جمله دال های مرکزی گفتمان جمهوری اسلامی ایران بود.

هژمون بودن انقلابیون واقع گرا در فضای استعاری انقلاب نیز در تفوق ایده صدور انقلاب مؤثر بود. ایران همان طور که از آغاز انقلاب دارای آرمان گرایان انقلابی خاص خود بوده، واقع گرایان انقلابی نیز داشته است. در چنین فضای دوگانه ای مفهوم صدور انقلاب با توجه به گفتمان خاص این دو گروه تفسیر می شد. واقع گرایان معتقد بودند که انقلاب اسلامی باید نخست در داخل پا بگیرد. به عبارت دیگر ساختن کشور به صورت اسلامی و ارائه آن به صورت الگویی مناسب برای کشورهای دیگر. بازسازی ملی در قالب هماهنگ با نظام و عرف بین المللی بدون توجه به شرایط انقلابی در کنار احساس مسئولیت تنها در قبال ملت ایران سبب شد تا در نگاه ملی گرایان، ایرانیت محور رشد و توسعه قرار گیرد. از این رو، نگاه انفعالی و خستی به تحولات جهانی و ناپسند بودن برخورد ارزشی با نظام جهانی منجر به آن شد که هرگونه تعرض نسبت به منافع پیرامونی، مذموم و صدور انقلاب عملی خلاف شئون بین المللی تلقی شود (معاونت تنظیم، ۱۳۷۶: ۱۳-۱۲). بنابراین، رویکرد میانه رو با نفی انقلابی گری و طرح استراتژی گام به گام به مخالفت با صدور انقلاب پرداخت (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

در مقابل، انقلابیون معتقد بودند که نابسامانی، عقب ماندگی، تحجر فرهنگی، و مرزبندی ها، ناشی از توطئه برنامه ریزی شده دولت های استعمارگر است. مرزهای ملی ساخته دوران استعمار است چرا که اسلام مرز نمی شناسد. از این رو باقی ماندن در درون مرزهای ملی توطئه است و الگوی تحقق یافته انقلاب در پی تهاجم دیگران شکست می خورد. هدف اصلی نابود ساختن رژیم های پیرامونی است. با استفاده از توانمندی های نظامی، چریکی و اطلاعاتی، تجهیز تسلیحاتی جنبش های آزادی بخش،

به خطر افکندن پایه‌های حکومت‌های استبدادی، یکسان بودن منافع ملی با منافع آرمانی. از نگاه گرایان اولویت در سیاست خارجی با منافع ایدئولوژیک از طریق مواضع خشن و سرکوب‌گرانه است، پذیرش قوانین بین‌المللی مطرود بوده و تمامی سازمان‌ها، مؤسسات و قواعد بین‌المللی مطرود هستند. انقلابیون به درگیری دائمی تا نابودی کامل سیستم ظالمانه و تحقق ارزش‌های انقلابی معتقد بودند (معاونت تنظیم، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۳).

با به حاشیه رفتن گفتمان‌های درحاشیه، فضا برای گفتمان انقلابی اسلام‌گرا مهیا شد. در باور انقلابیون، صدور انقلاب امری اجتناب‌ناپذیر تصور می‌شد؛ چرا که، رسالت جهانی و جهان‌شمولی اسلام این نتیجه را در پی داشت که عنصر دعوت، فرازمانی و فرامکانی تلقی شود، پس ناگزیر دین و پیام آن باید به همه جهانیان برسد. ماهیت انقلاب نیز فراملی تصور می‌شد. این انقلاب فراملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی بود که فراتر از مرزهای جغرافیایی ملی می‌رفت و به یک ملت و محدوده سرزمینی تعلق نداشت. از این رو، اشاعه آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورها و جوامع یکی از اهداف فراملی سیاست خارجی ایران را تشکیل می‌داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۱). انقلابیون با برجسته‌سازی مفهوم صدور انقلاب پویایی جریان انقلابی را بازتولید کردند.

می‌توان دلایل و انگیزه‌های انقلابیون را بر تأکید مستمر نسبت به صدور انقلاب که نمایانگر ملاحظات امنیتی آن‌ها در سیاست خارجی است، چنین برشمرد: پرهیز از محصور کردن انقلاب به دلیل ماهیت نهضت و طبیعی بودن تأثیرپذیری تمامی جهان اسلام از آن. شرط اعتلاء انقلاب گسترش آن بود. زنده نگه داشتن اسلام و ترویج احکام اسلامی در دنیا محتاج صدور انقلاب بود. اسلام حق همه است و باید آن را صادر کرد. تزریق انقلاب به درون ملل دیگر باعث بیمه شدن انقلاب از توطئه و دسیسه استعمار می‌شد. ماهیت انقلاب با نظام منطقه و بین‌الملل متعارض بود، بنابراین باید به غنابخشی به محیط پیرامونش می‌پرداخت. بنابراین اندیشه صدور انقلاب تفکر اساسی بود. صدور راهی برای معرفی اسلام و انقلاب بود. زیرا اندیشه‌های انقلاب ایران در معارضه با نظام بین‌الملل بود. صدور انقلاب به حفظ ماهیت اسلامی و انقلابی نظام منجر می‌شد. همه را برای خود نمی‌خواهیم. اکتفاء به آسایش درونی، ما را شبیه استعمارگران می‌کرد. دنیا برای ما نباید قربانی شود. تفاوتی

میان ملت ایران و فلسطین، آفریقا و آمریکای لاتین نیست. سعادت و رفاه تمام ملت‌ها خواسته ماست. کمک برای ایجاد نهضت‌های بخش‌جاء وظایف مکتبی نظام اسلامی است. صدور، عملی پیشگیرانه است. اگر فقط به خودمان پردازیم دشمن از چپ و راست حمله می‌کند، ما را محصور و خفه می‌کند. ما باید به سوی مرزهای مان برویم (ولی پورزرومی، ۱۳۸۳: ۲۲۴-۲۲۳).

در این میان، جایگاه کاریزماتیک رهبری انقلاب و نزدیک بودن رویکرد ایشان به رویکرد واقع‌گرایان نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. رویکرد امام خمینی به صدور انقلاب مشتمل بر سه اصل بود: تکلیف‌گرایی و لزوم ترویج اندیشه‌های ناب اسلامی، خواست عمومی ملت‌ها بالاخص مسلمانان، نگاه اصولی به صدور انقلاب در سیاست خارجی از دیدگاه اسلام و مرزناشناسی اندیشه اسلامی که امری ضروری برای تحقق اهداف انقلاب است (فرزندی اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰۵). اهداف اصلی صدور انقلاب در پرتو فرهنگ سیاسی ایرانی-اسلامی و فکر سیاسی امام خمینی عبارت‌اند از: به‌صورت کوتاه‌مدت وسیله‌ای برای دفاع از جمهوری اسلامی و تأمین امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی به‌ویژه در خلیج فارس و به‌صورت درازمدت وسیله‌ای برای استوارنمایی نظامی جهانی زیر چتر عدالت اسلام (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۶۵). ساختن دارالاسلام و دارالکفر به‌عنوان مرزهای دولت اسلامی از ایدئولوژی صدور نشأت می‌گیرد. درخصوص صدور انقلاب اسلامی نیز امام خمینی به جهان‌شمول بودن دین اسلام و صدور آن به بقیه جهان باور داشت. به گفته ایشان، اسلام برای یک کشور، برای چند کشور، برای یک طایفه و حتی برای مسلمین نیست. اسلام برای بشر آمده است. اسلام همه بشر را می‌خواهد زیر پوشش عدل خودش قرار بدهد. ما امیدواریم که این امر به تدریج مهیا شود. در نتیجه این برداشت از آرمان نظم جهانی اسلامی، ایران به‌عنوان تنها جمهوری اسلامی تحت حکومت ولی فقیه باید سخت بکوشد تا انقلاب خود را به جهان صادر کند. ولی امام خمینی تأکید داشت که ایران نباید برای صدور این ایدئولوژی، شمشیر بردارد. صدور اندیشه با زور نیست. از نگاه وی، راه صدور انقلاب ایجاد سرمشقی از رفتار اخلاقی اسلامی است. دعوت امام خمینی به ایجاد نظم جهانی اسلامی نوعی ابراز امیدواری بوده است. او استفاده از زور را منع می‌کرد و می‌خواست از طریق رفتار خوب اسلامی، انقلاب را صادر کند (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۴). ضرورت صدور انقلاب به‌صورت مسالمت‌آمیز از طریق

باور به حَقّانیت پیروزی اسلام و مستضعفین آن‌هم از لسان رهبر کاریزماتیک انقلاب امری مقدّس و فرمانی مطاع در نظر خبرگان و سایر انقلابیون بود. ایدئولوژی اسلامی در کنار دالّ اسلام، دالّ امت را نیز در کانون گفتمان انقلابی مفصل‌بندی کرد. مفهوم امت اسلامی که سنّت‌گرایان نیز بدان احساس تعلّق داشتند، توسط انقلابیون غیرروحانی رادیکال که از اتحاد جماهیر اسلامی سخن می‌گفتند تشدید می‌شد و به‌صورت یک آرمان بالنده توسط نوگرایان دینی به خدمت گرفته شد تا نظریه امت و امامت عینیّت یابد. دفاع ویژه و استثنایی آیت‌الله بهشتی از دو اصل پنجم و یازدهم قانون اساسی، این انگاره را تقویت می‌کند که مجموع نظریه ولایت فقیه که به‌قول حائری به امامت نزدیک بود تا ولایت، بدون بازسازی مفهوم امت که انقلاب جهانی اسلامی را که انقلابیون ایران بر اساس آموزه‌های شیعی بدان معتقد بودند ناقص می‌گذاشت؛ لذا، جمهوری اسلامی که بر نظریه امت و امامت استوار شده بود می‌بایست تنگناهای انقلاب ملی ایران را به‌جانب مفهوم جهانی سوق دهد و دولت ملی را تا امپراتوری جهانی برکشد و حالت تهاجمی انقلابیون ایران را که در مذاکرات مجلس خبرگان تجلی یافته بود، بازنمایاند (قلفی، ۱۳۸۴: ۵۵۴-۵۵۳). مفهوم امت نشان‌دهنده میزان ایدئولوژیک بودن انقلاب است که در آن، مرزها به ملت محدود نمی‌شود، بلکه امت نیز مطرح می‌شود.

۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با وقوع انقلاب، انقلابیون ناگزیر از تدوین چارچوبی نهادین و قانونی برای اعمال خود و اداره کشوری بودند که آن را ام‌القرای مسلمانان می‌پنداشتند. قانون اساسی به‌عنوان سند حقوقی، اختیارات حکومت را تعیین، اصول رفتار سیاسی را مشخص، و رابطه میان شهروند و دولت را معین می‌کند. به‌طور سنتی معنای سیاسی قانون اساسی به مجموعه‌ای از نهادها و رویه‌ها اطلاق می‌شود که به یک رژیم سیاسی هویت می‌بخشد. مطابق این معنای سیاسی از قانون اساسی، تنها برخی از ترتیبات و نه ضرورتاً مهمترین آن‌ها، در قالب قانون موضوعه تدوین می‌شود (لاگلین، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵). انقلاب اسلامی ایران نیز ماهیتی جدای از انقلاب‌های کلاسیک ندارد و همگی در داعیه‌دار بودن «تغییر نظم بین‌المللی»، هم‌گام و هم‌جهت‌اند. بُرد فرامرزی انقلاب اسلامی و جهانی بودن آن، درحقیقت تعبیر دیگری از خصیصه عمومی بودن و خاتمیت دین اسلام است. مقوله تداوم انقلاب اسلامی، حتی به‌صورت رسمی در

مقدمه، اصل ۳ و اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی ایران نیز وارد شده و به مقوله صدور، بازتاب و انتشار امواج انقلابی، حالتی رسمی بخشیده است. اصول قانون اساسی ایران نیز نماد و نمود گفتمان انقلابی بر مبنای تفسیر اسلامی از مفهوم اُمت و همنشینی و همزمانی میان اُمت و ام‌القری و دارالاسلام و دارالکفر بود (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۷). گنجاندن مفهوم صدور انقلاب در لابه‌لای محتوای مفاد قانون اساسی، راهبردِ خبرگان برای پویا نگه‌داشتن شور انقلابی بود.

گروگان‌گیری و ماجرای سفارت که از سوی امام انقلاب دوم نامیده شد، دو اصل را وارد سیاست خارجی و قانون اساسی ایران کرد: نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی و صدور انقلاب (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۹). گروگان‌گیری در حکم کاتالیزوری بود که انقلابیون را ناگزیر از تعریف نظام بین‌الملل به‌شکل کاملاً صریح و انقلابی کرد. هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به کار حکومت جدید، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در جهت تحقق و تبلیغ پیام الهی در سراسر گیتی معین کرده است. هدف صدور انقلاب با گسترش و فتوحات تاریخی اسلام (گسترش صلح اسلامی) تحت حاکمیت حضرت محمد(ص) و خلفای او همراه شده و این شیوه در دیدگاهی که قائل به تمایز بین دارالاسلام و دارالکفر است، انعکاس یافت. درحقیقت، قانون اساسی جدید ایران به‌وضوح نشانگر وجه اسلامی سیاست خارجی مبارزه‌جویانه‌ای است که هدفش اتحاد دنیای اسلام و گسترش حاکمیت خداوند در روی زمین است (همان: ۴۷). درک فضای انقلابی در پیش‌نویس قانون اساسی مشهود است: معتقدیم که اسلام از روز اول یک انقلاب بود و باید همچنان به‌عنوان یک آیین انقلابی تا ابد بماند. برای درک این آیین انقلابی روحیه انقلابی لازم است (قلفی، ۱۳۸۴: ۵۱۵). فهم بعد انقلابی اسلام را از این عبارت می‌توان دریافت کرد. در حقیقت شاهد انتقال اهداف سیاست خارجی انقلابی به متن قانون اساسی هستیم. آرمان‌های حکومت دینی در قانون اساسی چنین بیان شده است: حکومت منتخب اکثریت مردم، اسلام انقلابی، جامعه آرمانی انقلاب، حاکمیت مطلق اسلام، انترناسیونالیسم اسلامی (قلفی، ۱۳۸۴: ۵۶۶-۵۰۳). گنجاندن مفهوم انترناسیونالیسم اسلامی به‌معنای اعتقاد به پیاده‌سازی حاکمیت اسلام در سراسر جهان است.

اصل ۴ پیش‌نویس قانون اساسی چنین بود که جمهوری اسلامی درعین پایبند بودن

به حاکمیت ملی، به سعادت انسان در جامعه بشری نیز می‌اندیشد و از حکومت عدل و مبارزه با بی‌دادگری در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. درحقیقت، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌وضوح بیانگر وجه اسلامی سیاست خارجی پویا و آرمان‌گرایانه‌ای است که هدفش اتحاد دنیای اسلام و گسترش حاکمیت خداوند بر روی زمین است، بنابراین یکی از اهدافی که در قانون اساسی بر آن تصریح شده است، تداوم بخشیدن به انقلاب در داخل و خارج است (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۳). در این راستا ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام در کانون مقوله صدور انقلاب قرار گرفت.

مفهوم صدور انقلاب از منظر سیاست، بازتاب پویایی سیاسی در داخل ایران است که شعار تصرف سفارت آمریکا را جایگزین شعار شاه آمریکایی دوران قبل از انقلاب کرد. هدف از طرح این مفهوم، برقراری جامعه آرمانی پاک و استقرار آن، پیروزی نیروی خیر و استقرار نظم عادلانه جهانی بود که وسایل دستیابی به آن در قالب دو الگو قابل بررسی است. نخست، الگوی قهرآمیز صدور انقلاب که به صورت کاربرد تبلیغات تحریک‌آمیز تا وقوع جنگ متعهد، حمایت تسلیحاتی و تدارکاتی از نهضت‌های آزادی‌بخش مبارز علیه استبداد و استکبار که هدف و راهبرد رسمی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نبوده است و ثانیاً الگوی مسالمت‌آمیز صدور انقلاب که معتقد به حمایت معنوی و غیر نظامی از نهضت‌های آزادی‌بخش، الگوپردازی و ارائه دولت سرمشق از جمهوری اسلامی و تبلیغات بوده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۴-۱۶۳). در تدوین قانون اساسی الگوی مسالمت‌آمیز صدور انقلاب یعنی بازسازی و الگوسازی ایران مطمح نظر قرار گرفت، امری که در کلام رهبری انقلاب نیز تصریح شده است. بر اساس صحیفه نور، استراتژی صدور انقلاب اسلامی را می‌توان دارای چهار رکن اساسی الگوسازی، تبلیغ و آگاه‌سازی، آموزش و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش دانست. (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۲). از این رو، الگوهای صدور انقلاب را به سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد: اصل ۱۵۴ که بر حمایت به‌صورت مسالمت‌آمیز تأکید دارد. دولت سرمشق (حکومت عدل اسلامی، دولت توسعه‌یافته، مردم‌سالاری دینی)، تبلیغات که به منظور تبلیغ جامعه اسوه است که این امر در مقدمه قانون اساسی نیز تصریح شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). در این دیدگاه، الگوسازی به‌معنای ساختن امت نمونه در داخل و بهره‌گیری از

تمامی ابزارهای انقلابی - قانونی برای تحقق هدف الگوسازی سیاست مسالمت آمیز توأم با فرصت طلبی با نظام بین الملل است. هر جا منافع و مصالح ملی اقتضاء کرد به رژیم های وابسته ضربه بزنیم و اگر شرایط مناسب نبود به تفاهم ادامه دهیم. مادامی که در داخل موفق به تثبیت اوضاع نشده ایم نباید در قبال جامعه جهانی موضعی تعرضی داشته باشیم، بلکه پس از بهبود اوضاع داخلی باید به تدریج وارد یک مخاصمه با جامعه جهانی شویم (معاونت تنظیم، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۴). به کارگیری عنصر خشونت در صدور انقلاب از همان ابتدا طرد شد. انقلابیون معتقد بودند که با کمک ایدئولوژی اسلامی می توان دل ها را ربود و از اسارت استعمار و استبداد رها کرد. هدف انقلابیون کشورگشایی نبود، بلکه نجات انسان های مظلوم و در بند، محرک قدرتمندی برای صدور ایده انقلابی به خارج از مرزهای ملی بود.

پ) پسامتن: گزاره های اساسی در تحلیل گفتمانی مفهوم صدور انقلاب در این پژوهش برای استخراج اطلاعات از متن اصلی (مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی) به روش زیر عمل شده است:

• واژگان

این مؤلفه، واژگان کانونی را، که تکیه گاه متن هستند به همراه بار معنایی مثبت و منفی آن ها مورد ارزیابی قرار می دهد.

سفید (مثبت): سرمشق - جهان گیر - سعادت - جامعه بشری - استقلال (۶ بار) - آزادی - حکومت حق و عدل - مبارزه حق طلبانه - تعهد برادرانه (۲۶ بار) - حمایت بی دریغ - ائتلاف - شهادت - قرب الهی - اسلام (۳۶ بار) - الگو - وحدت (۱۱ بار) - انقلابات بحق - روابط عادلانه - حمایت - هم بستگی - مسئولیت - نجات - پیوستگی - یگانگی - واحد جهانی - انقلاب عظیم - مسئولیت جهانی - مصالح کشور - نهضت - آزادی بخش - امت (۲۸ بار)

سیاه (منفی): شکاف و نفاق - سلطه (۶ بار) - متجاوز - چهاردیوار کشور. کانونی ترین واژه مثبت، اسلام و کانونی ترین واژه منفی سلطه می باشد. بنابراین دال مرکزی متن را مفهوم اسلام مفصل بندی کرده است.

• افراد و نهادهای مطرح شده در متن :

نگرش متن نسبت به افراد و نهادها از جنبه مثبت و منفی که این امر به مرزبندی متن یاری می رساند. این گزاره بخشی از کارکرد غیرسازی را نیز نمایان می سازد.

مثبت: برادران ما- قوم موسی- پیامبر- مستضعفین (۴۹ بار)- اُمّت (۲۸ بار)- دول غیرمحراب- جماهیر متحد اسلامی- نمایندگان مجلس خبرگان- نهضت‌های اسلامی- جامعه اسلامی- مردم ستم‌دیده و عدالت‌طلب جهان- سازمان‌های بین‌المللی- دولت مؤمنان- ملت مسلمان ایران- اُمّت واحد اسلامی- دارالاسلام- افغانستان- فلسطین- علی ابن ابی طالب (ع)- هاوانا- غیر متعهدها- امام خمینی- ولایت فقیه- کسی که تحت ظلم است- غیر مسلمان مظلوم- هشتصد میلیون مسلمان- جهان سوم- مردم قفقاز، آذربایجان، باکو- ملت‌های مظلوم- دارالاسلام- قانون اساسی (۱۵ بار)- وطن اُمّت. منفی: استعمارگران (۵ بار)- دشمنان اسلام- ایادی استعمار- یهودی‌ها- نصرانی‌ها- فرعون- رژیم دست‌نشانده- رژیم پهلوی- آمریکا- غرب- مستکبرین- قدرت‌های سلطه‌گر- دیکتاتورها- خودپرستان تاریخ- اسرائیل- سازمان ملل- دولتی که تخلف کرد- شاه سابق- ابرقدرت‌ها- انگلیس- شوروی- چین- نصف دولت‌های دنیا- دو قدرت بزرگ جهان- دو اردوگاه سلطه‌جو- استعمارگر- استثمارگر- ابرقدرت‌های شرق و غرب- جهان کمونیستی و سرمایه‌داری- آنانی که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته‌اند- استعمار و استبداد و امپریالیسم جهانی.

کانونی‌ترین گروه مثبت در متن، مستضعفین است و استراتژی متن بهره‌گیری از این مفهوم برمبنای الگوی صدور انقلاب می‌باشد. طیف حمایت از این گروه از کمک، حمایت، نجات، تا سعادت آن‌ها را شامل می‌شود. از این رو به حسب اعتقاد به هر واژه، مفهوم صدور انقلاب فربه‌تر شده و مناطق جغرافیایی و اقدامات عملیاتی گسترده‌تری را شامل می‌شود.

• قطب‌بندی (غیرسازی):

این مؤلفه نحوه توصیف خود و معرفی ارزش‌های منتسب به خود و دیگری را در متن نشان می‌دهد.

توصیف و معرفی خود (ارزش‌های منتسب به خود- ما): فداکاری- تعیین‌کنندگان سرنوشت آینده- روابط ما عادلانه است- انقلاب شکوهمند بی‌نظیر ملت قهرمان ایران درسی است در تاریخ برای آیندگان ما و نسل‌های آینده جهان. جمهوری ما اسلامی است. هدف ما ایجاد یک حکومت واحد اسلامی در سراسر جهان است. انقلاب بزرگ ملت ایران قابل محدودکردن در سرحدات کشور ما نیست. مسئولیت ما جهانی است- این اولین قانون اساسی است که در دنیا به نام اسلام نوشته می‌شود.

مصلحت ما با مصلحت ملت‌های مظلوم یکی است. آرمان‌های اسلامی مرز ندارد. ما با تمام اُمم اسلامی برادریم- ما مسأله فلسطین را مسأله خودمان می‌دانیم. ما حامی نهضت‌های ملت‌های مظلوم در برابر استعمار و استبداد و امپریالیسم جهانی هستیم. ملت مسلمان ما در جریان انقلاب دوران‌ساز خود عالی‌ترین و والاترین مفاهیم انقلابی نظیر شهادت، پارسایی و ایثار در راه خدا و مستضعفین خلق را به جامعه بشریت عرضه داشت. انقلاب صدرصد اسلامی.

توصیف و معرفی دیگران (ارزش‌های منتسب به دیگران-آن‌ها-): ۱۴۰۰ سال استعمارگرها مسلمانان را دچار اختلاف کردند. سازمان ملل، ملل نیستند دول هستند. بعضی ملل مثل اسرائیل ستمگر هستند- نصف دولت‌های دنیا متجاوز هستند- آمریکا در رأس متجاوزها و ابرقدرت‌هاست- تحمّل این انقلاب برای دو قدرت بزرگ جهان و دو اردوگاه بزرگ سلطه مشکل است.

• استناد (ذکر شواهد):

این‌که گوینده یا نویسنده به کدام منابع مشروعیت‌ساز یا مورد قبول دیگران استناد می‌کند؟ استخراج استنادها و استدلال‌ها و متبادر کردن نوعی واقعیت به ذهن مخاطب چگونه صورت می‌گیرد؟

شکاف هزار و چهارصدساله میان مسلمانان به وسیله یهودی‌ها و نصرانی‌ها- داستان فرعون با قوم موسی، روایات و آیات قرآن- سخنان امام خمینی.

• پیش فرض‌ها:

پیش فرض‌ها به معنای شناخت افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها برای نشان دادن لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده می‌باشد.

اسلام از روز اول یک انقلاب بود. اسلام نجات‌دهنده بشر بوده است.

• دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی)

دلالت‌های ضمنی، تلقین و تداعی و کشف معانی غیر صریح و ناآشکار جمله‌ها و گزاره‌ها را بیان می‌کند.

متن به صورت تلویحی درصدد است تا با برجسته‌سازی مفهوم اسلام، به طرد ناسیونالیسم بپردازد. از این‌رو با قائل شدن به جامعیت اسلام، رسالت آن را جهانی می‌داند. از سوی دیگر، با توجه به این‌که انقلاب ایران دارای وجوه اسلامی است، آنرا انقلابی اسلامی می‌داند و نه ایرانی. به استناد جامعیت دین اسلام محصور داشتن

انقلاب را در درون مرزهای جغرافیایی مذموم شمرده و برای انقلاب ایران داعیه جهانی قائل است. نیز، متن از زمینه بسیار قوی پیوند ارزش‌های مذهبی و سیاست برخوردار است و به‌گونه‌ای تلویحی سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را طرد می‌کند و آن‌را در مقابل آرمان‌های انقلابی قلمداد می‌کند. متن درصدد این همانی میان دو مقطع زمانی انقلاب ایران و مدینه‌النبی پیامبر است. بر این اساس افق گسترده‌ای را با به‌کانون نشانیدن مفهوم اَمّت ترسیم می‌کند و همانند عصر نبوی فارغ از نژاد و رنگ و زبان و صرفاً بر مبنای اسلامیت رفتار می‌کند. از همین رو حتی تقسیم‌بندی‌های درون‌دینی نظیر سنی و شیعه را نیز به‌کناری می‌نهد تا خطابه بلند خود را که همان قانون اساسی است برای همه مسلمین یا همان اَمّت اسلامی بسراید. متن به‌مثابه یک کنش سیاسی در درون خود به مشروعیت‌زدایی از سایر جریان‌ها (ملّی‌گرایان، تجزیه‌طلبان) می‌پردازد. متن، مفهوم وطن را کم‌رنگ و به‌جای آن دارالاسلام را در کانون گفتار خود می‌نشانند. بنابراین به‌صورت تلویحی، مفهوم اَمّت را برجسته می‌کند. این امر منجر به گسترش شمول دایره عمل می‌شود، از این رو انقلابیون، سایر سرزمین‌های جهان اسلام را نیز در دایره ام‌القری می‌دانند که با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی به‌عنوان اولین نقطه آغاز دومینو، دیگر کشورهای اسلامی را نیز دربر خواهد گرفت. نمونه عبارات گویای این امر در متن عبارت‌اند از: هر قسمتی از خاک وطن اسلامی که به‌خطر بیفتد مثل این است که خاک خود ما به‌خطر افتاده/ اگر کسی به‌خاک اسلام حمله کرد مثل این است که به‌ما حمله کرده است.

• مفاهیم صدور انقلاب در متن:

رسیدن به استقلال و آزادی حقّ خدایی ملت‌ها- تعهد برادرانه در قبال ملل مسلمان- حمایت همه‌جانبه از همه مستضعفان- قانون اساسی به‌مثابه الگوی عمل- هرچند چهار واژه تأسیس، توسعه، تحکیم و تبدیل، استراتژی صدور انقلاب را در قالب مفاهیم نشان می‌دهد.

• تلقی و استنباط از واژه صدور انقلاب:

بررسی کیفیت و چگونگی بهره‌گیری از مفهوم صدور انقلاب در متن در عین حال امکان سوءاستفاده از این استراتژی را از سوی کشورها در نظر می‌گیرد. از این رو، صدور انقلاب را تنها به‌معنای خروج ایده و کمک انقلابی به خارج می‌داند، درمقابل با عبور نیروهای انقلابی و آزادی‌بخش از خاک ایران با

قطعیّت مخالفت می کند.

• گزاره های اساسی متن:

گزاره های اساسی متن، نشان دهنده وجه یا معنای کانونی متن و بازگوکننده پیام اصلی متن می باشد.

استقلال و نفی سلطه پذیری و سلطه جویی، اساس روابط خارجی ایران است. سرزمین ایران جزء لاینفک وطن اسلامی می باشد. مسأله سلطه در جهان یک مسأله اساسی است. تعهد برادرانه به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان و مبارزات حق طلبانه. اسلام منحصر به ایران نیست. ایران جزئی از دارالاسلام یا وطن امت است. کمک به مسلمین و غیرمسلمین واجب است. اسلام ازلی و ابدی است و برای زمان و مکان محدود و معینی نیست. رسیدن به استقلال و آزادی حق همه ملت ها است. به حکم قرآن باید با تمام نیرو از همه مستضعفان جهان حمایت کنیم.

• مؤلفه های اجماع و توافق در متن:

مؤلفه های اجماع و توافق در متن، گزاره ها، مفاهیم و استعاره هایی که متن از طریق آنها در صدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان برمی آید.

جمهوری اسلامی، وحدت، مسلمان بودن، اسلام، امت اسلامی، مبارزه حق طلبانه، انقلاب اسلامی، متن با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی مورد پذیرش و خواست توده های مردم، سعی در توافق سازی دارد.

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی، به منزله مرکز ثقل تحوّل بنیادین و خالق گفتمانی با رویکردهای نوین نسبت به جامعه و ساختار قدرت در ایران، حاوی صورت بندی جدیدی از گفتار سیاسی در ایران بود که به وسیله دال هایی چون صدور انقلاب و مفاهیم پیرامونی آن مفصل بندی می شد. منظومه کلامی ای که در خلال این مقطع و سال های بعد از آن وجوه هژمونیک به خود گرفت، حاصل صورت بندی انقلابی در قالب رقابت میان نیروهای اسلام گرا و لیبرال بود. برجسته سازی تصویر اسلام عملاً در راستای به حاشیه راندن ایران، مبادرت به ساختار معنایی گفتار انقلابی می کند. این گفتار با دست یازیدن به وجوه ایدئولوژیک در راستای پیوند دانش و قدرت با پررنگ نمودن گفتار معطوف به دین در ساختار سیاسی، وجوه استعمارستیزی به خود گرفته است؛ هرچند، تأسی به ایران نیز هیچ گاه از گفتار انقلابی کنار نرفت. تقسیم همگان به دو

قطب مخالفان و موافقان و مرزبندی فزاینده میان خود و دیگری بر مبنای نگرش یا با ما یا بر ما، چه در عرصه داخلی و چه در صحنه بین‌المللی، هدایت امور به سوی شکل‌گیری جامعه تک‌گفتار را منجر شده است. از همین روست که خبرگان قانون اساسی تبدیل به تریبون انقلابیون می‌شوند و صدایی جز اسلام‌گرایی از آن شنیده نمی‌شود.

در شرایطی که کشور و هیجان و تنفر ناشی از سلطه بیگانه با برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی، نوید گشودن صفحه‌ای جدید از تاریخ ایران را می‌دهد، این روایت‌پردازی از واقعه، بازنمایی و جوه اسلام‌گرایی و نحوه مفصل‌بندی گفتمانی آن را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌سازد. لحن صمیمی و درعین حال مظلومانه خبرگان در مقابل دین و مذهب، گویای هژمون‌شدن گفتمان اسلام‌گرایانه و دال‌های کانونی آن است. تشویق و تحریک جمعی و یادکردن از مسلمین در قالب یک روح کلی، در کنار طرد واژه‌هایی نظیر هموطنان ایده‌ای است که سراسر فضای متن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از حیث ترکیب ریخت‌شناسانه، این گفتار ایجابی و مثبت بوده و تنها در جای گاهی که از سلطه دیگری سخن به میان می‌آورد از جملات منفی استفاده می‌کند. بر اساس تصریحات متن و واژگان دال بر معانی ارزشی، گفتار حاوی دو قطب منازعه است و صحنه منازعه آن اسلام و کانون این منازعه تعهد نسبت به مستضعفین می‌باشد. کانون این جدال حول تعهد نسبت به مستضعفین پردازش یافته است.

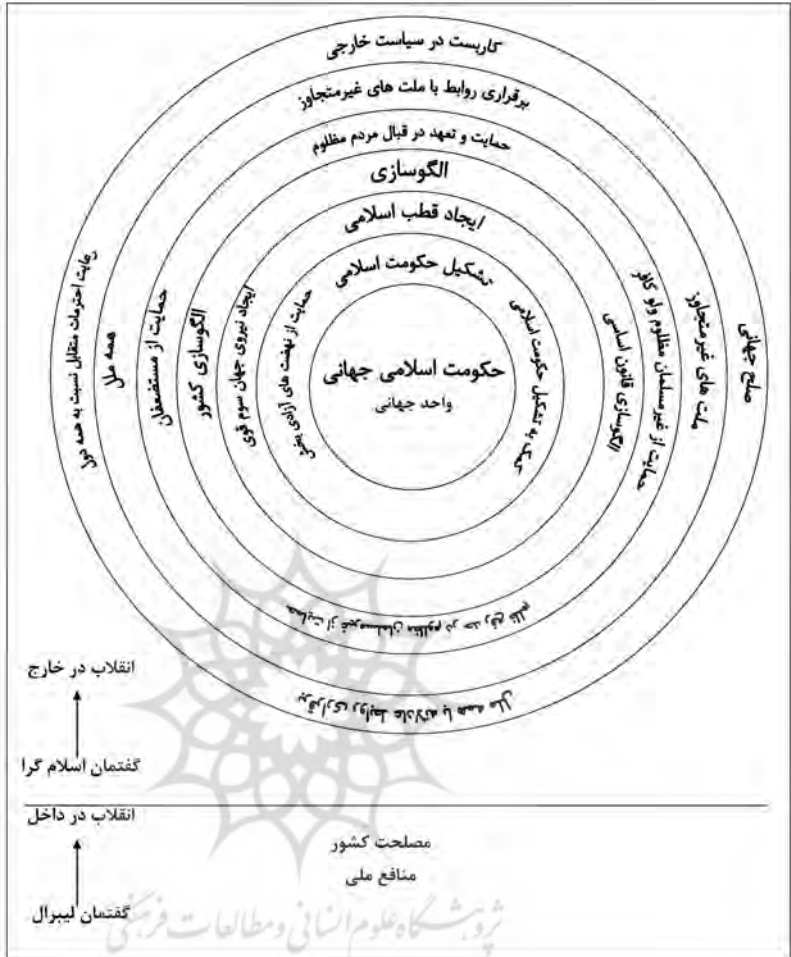
نکته دیگر، نمود اشاره‌ای مبنی بر پیشینه ایرانیّت و تکیه فراوان بر پیشینه دینی-مذهبی گفتار بود که عملاً مجال ظهور گزاره و یا واژه‌ای را که دال بر معانی ملی باشد، نداده است. در تصویری نیز که گفتار از جامعه آینده داده است اشاره‌ای مبنی بر تلاش برای رسیدن به آن نشده است. این رویکرد مذهبی به مثابه یکی از استراتژی‌های متن عملاً تلقی اسلامی از صدور انقلاب را در کانون گفتمان این دوره می‌نشانند. بُرش دیگری از گفتار، نشانگر روایت سه‌گانه‌ای از تاریخ سیاسی ایران است. سوی اول متن اشاره به سال‌ها استبداد و استعمار این سرزمین دارد. دومین تصویر، بستر اجتماعی/سیاسی و مقطع حسّاس کنونی است که با صفاتی چون انقلاب شکوهمند از سویی نشان‌گر وقوع یک شیفت تاریخی در تاریخ این سرزمین است که نه تنها رهایی و آزادی و استقلال را برای ملت ایران به همراه آورده است، بلکه مزده رهایی

را برای همه جهانیان دارد و ساختن جامعه اسلامی جهانی را نقشه راه خود می‌داند. اما، برجسته‌ترین الگوی کلامی به‌کاررفته در این متن، معطوف به ترسیم افق روشن از آینده است. متن روی به آینده دارد و اشارات چندانی به وضعیت کنونی و آینده ندارد. در واقع، روایت بلندی از ساخت اتوپیا در آینده را مطمح نظر قرار می‌دهد. بنابراین استراتژی متن را می‌توان یوتوپیا سازی دانست. ساختار متن به‌گونه‌ای است که بازنمایی نسبت میان این دو، حائز اهمیت بسیار است. چراکه می‌توان بر مبنای این نسبت‌دهی، نشان داد که گفتار بسیج‌کننده، خویش و دیگر و ما و آن‌ها را چگونه سامان می‌دهد. سامانه این گفتار به‌گونه‌ای است که با نظام مستقر سیاسی دینی پیوند ناگسستنی دارد.

در تمامی متن، ارزش‌های لیبرال دموکراتیک در تقابل با ارزش‌های دینی قرار گرفته‌اند. تنها در یک جا متن با تاسی به مفهوم مصلحت کشور، در صدد دور شدن از گفتمان غالب بر متن است. هر چند دوباره رجعت به مفاهیم اسلامی می‌کند و مفهوم مصلحت کشور را به حاشیه می‌راند. به طور کلی گفتمان حاکم بر این دوره، آرمان‌گرایی اسلامی یا اسلام انقلابی است که با تکیه بر شرایط اجتماعی ناشی از شور انقلابی سعی در انتشار و بقاء خود دارد. مؤلفه‌های اساسی این گفتمان عبارت‌اند از تشکیل امت جهانی اسلام، وحدت جهانی بر مبنای ایدئولوژی. بنابراین در این متن نشانه‌ها و مفاهیم حاوی صدور انقلاب، حضور جدی دارند. متن در فضای ایدئولوژیک بر ساخته شده است، از این رو صحنه سیاسی به صورت سیاه و سفید ترسیم می‌شود و نگاهی خاکستری وجود ندارد. بنابراین مرز میان خود و دیگری سخت و غیر منعطف تعریف و به‌طور مداوم باز تعریف می‌شود.

در تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب با دو خرده‌گفتمان مواجه هستیم. در گفتمان اول، که نگاه لیبرال‌ها نسبت به صدور انقلاب است، با در نظر گرفتن استراتژی «ما باید اول مصالح کشور خودمان را در نظر بگیریم» تنها انقلاب در داخل مدنظر است، هر چند این گفتمان به دلیل عدم قابلیت دسترسی به حاشیه رانده می‌شود. اما، گفتمان دوم که صورتی هژمون به خود می‌گیرد، به چند سطح قابل تقسیم است. در بیرونی‌ترین لایه این گفتمان به مفهوم صدور انقلاب به صورت کاربست صدور انقلاب در سیاست خارجی نگریسته می‌شود. این سطح به کاربستن قواعد حقوق بین‌الملل اسلامی در سیاست خارجی، رعایت احترامات متقابل نسبت به همه دول و

برقراری روابط عادلانه با همه ملل، تلاش برای برقراری صلح جهانی را دربردارد. در دومین سطح، برقراری روابط با ملت‌های غیرمتجاوز در متن بیان شده است. به عبارتی دو قرائت همه ملل و ملت‌های غیرمتجاوز از یکدیگر تفکیک شده‌اند. در دومین لایه متن، حمایت و تعهد در قبال مردم مظلوم در سه سطح حمایت از مستضعفان، حمایت از غیرمسلمان مظلوم در حد رفع ظلم، حمایت از غیرمسلمان مظلوم ولو کافر، بیان شده است. در سومین لایه از متن، استراتژی الگوسازی بر اساس الگوسازی کشور و الگوسازی قانون اساسی مطرح شده است. در لایه چهارم متن، ایجاد قطب اسلامی به وسیله ایجاد نیروی جهان سوم قوی در جهان در مقابل جهان کمونیستی و سرمایه‌داری تصریح شده است. پنجمین لایه متن، دربرگیرنده ایده تشکیل حکومت اسلامی همانند ایران در سایر نقاط جهان بر اساس دو رویکرد کمک به تشکیل نظام‌های اسلامی در سایر کشورها و تعهد در برابر نهضت‌های آزادی‌بخش پردازش شده است. سرانجام، درونی‌ترین لایه متن، ایجاد حکومت اسلامی جهانی را بر اساس ایجاد یک واحد جهانی در راستای وحدت جهانی در لوای اسلام و ایجاد انقلاب جهانی آرمان خود قرار می‌دهد. تمامی مراحل مذکور به وسیله مسالمت‌آمیز و براساس صدور ایده‌ها و ارزش‌های انقلابی و معنویت، مورد نظر متن قرار گرفته است نه انتقال تجهیزات و سلاح نظامی. از این رو انقلابیون معتقدند اگر محصور شویم ابرقدرت‌ها برای شکست ما و انقلاب‌مان عزم خود را جزم خواهند کرد. پس، محصور ماندن در داخل، شکست قطعی خواهد بود و منجر به انزوای بیشتر انقلاب خواهد شد. تلاش برای دستیابی به استقلال سایر ملت‌ها از نظام سلطه بیشتر به عنوان یک تکلیف شرعی نگریسته می‌شود تا وظیفه انقلابی. آن‌ها انقلاب اسلامی را نه فقط برای مسلمانان بلکه برای مستضعفین جهان می‌دانستند. از این رو کاربرد واژه مستضعف به عنوان یکی از کانونی‌ترین واژه‌های متن، دایره شمولیت انقلاب را از دارالاسلام فراتر می‌برد و مبارزه‌ای جهانی را پیش روی آن‌ها ترسیم می‌کند.



• فضای استعاری پیرامون گفتمان مفهوم صدور انقلاب

فهرست منابع:

۱. آرنت، هانا. (۱۳۸۱). انقلاب. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی. چاپ سوم.
۲. آقاقلی‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۸). راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
۴. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
۵. ادیب‌زاده، مجید. (۱۳۸۷). زبان، گفتمان و سیاست خارجی. تهران: اختران.
۶. اسپوزیتو، جان. (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی. تهران: باز.
۷. افتخاری، قاسم. (۱۳۸۵). «بررسی روش شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال اول، شماره ۵، صص ۲۱/۱.
۸. امرایی، حمزه. (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. امیراحمدی، هوشنگ؛ پروین، منوچهر. (۱۳۸۱). ایران پس از انقلاب. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: باز.
۱۰. بریتون، کرین. (۱۳۷۶). کالبدشکافی چهار انقلاب. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: سپهر. چاپ ششم.
۱۱. بشیریه، حسین. (۱۳۸۴). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: دانشگاه تهران. چاپ ششم.
۱۲. بهرام‌پور، شعبان‌علی. (۱۳۷۹). «درآمدی بر تحلیل گفتمان». در کتاب: تاجیک، محمدرضا [به اهتمام]. گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: فرهنگ گفتمان. صص ۶۴/۲۱.
۱۳. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۹). جامعه امن در گفتمان خاتمی. تهران: نشر نی.
۱۴. تاجیک، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۲). «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران». راهبرد. شماره ۲۷. بهار ۱۳۸۲. صص ۸۰/۶۱.
۱۵. تیلی، چارلز. (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهش‌کده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۶. جواهری، محمدرضا. (۱۳۷۸). «تداوم انقلاب». در کتاب: کمیته پژوهش و مطالعات ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی. [به‌اهتمام] راه انقلاب: مجموعه مقالات پژوهشی درباره انقلاب اسلامی. تهران: نشر هماهنگ. جلد دوم. صص ۵۰/۱۴۴۷.
۱۷. حسین‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶). گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. حشمت‌زاده، محمدباقر؛ گواهی، عبدالرحیم. (۱۳۸۰). آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. حشمت‌زاده، محمدباقر. (۱۳۸۵). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی. تهران: پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. دایک، تون آدریانوس فان. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان. ترجمه پیروز ایزدی [و دیگران]. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۲۱. دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۸). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان سمت.
۲۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ رادفر، فیروزه. (۱۳۸۸). «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی

- دولت نهم». **دانش سیاسی**. سال ۵. شماره ۲. شماره پیاپی ۱۰. پاییز و زمستان ۱۳۸۸. صص ۱۲۳/۱۵۰.
۲۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ رادفر، فیروزه. (۱۳۸۹) **الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: دانشگاه امام صادق.
۲۵. رضائی، روح‌الله. (۱۳۸۰). **چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
۲۶. سلطانی، سیدعلی اصغر. (۱۳۸۴). **قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: نشر نی.
۲۷. عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). **گفتمان و جامعه**. تهران: نشر نی.
۲۸. عمیدزنجانی، عباس علی. (۱۳۸۱). **انقلاب اسلامی ایران**. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۲۹. غلام‌رضا کاشی، محمدجواد. (۱۳۷۹). **جادوی گفتار**. تهران: آینده پویان.
۳۰. غلام‌رضا کاشی، محمدجواد. (۱۳۸۵). **نظم و روند تحوّل گفتار دموکراسی در ایران**. تهران: گام نو.
۳۱. فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). **فلسفه انقلاب اسلامی**. تهران: امیرکبیر.
۳۲. فراتی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). **انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن**. قم: زلال کوثر.
۳۳. فرزندی اردکانی، عباس علی. (۱۳۸۶). «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (چرایی، اهمیت، و ضرورت صدور انقلاب)». پژوهش‌نامه متین. سال ۹. شماره ۳۶. پاییز ۱۳۸۶. صص ۹۷/۱۱۷.
۳۴. فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۸۲). **راه دراز گذار: بررسی تحوّل گفتمان توسعه سیاسی در ایران**. تهران: فرهنگ و اندیشه.
۳۵. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ترجمه فاطمه شایسته پیران [و دیگران]. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۶. فلاح‌نژاد، علی. (۱۳۸۴). **سیاست صدور انقلاب اسلامی**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۷. فورن، جان. (۱۳۸۲). **نظریه پردازی انقلاب‌ها**. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
۳۸. قلفی، محمّدوحید. (۱۳۸۴). **مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی و عروج.
۳۹. کاپلان، لورنس. (۱۳۷۵). **مطالعه تطبیقی انقلاب‌ها**. ترجمه محمّد عبداللّهی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۴۰. کاتز، مارک. (۱۳۸۵). «انتشار امواج انقلابی». در کتاب: گلدستون، جک [ویراستار]. **مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها**. ترجمه محمّدتقی دل‌فروز. تهران: کویر. صص ۲۲۱/۲۳۰.
۴۱. کالورت، پیتر. (۱۳۸۳). **انقلاب و ضدّ انقلاب**. ترجمه سعید قانع. تهران: آشیان.
۴۲. کوهن، آوین استانفورد. (۱۳۸۱). **تئوری‌های انقلاب**. ترجمه علیرضا طیب. تهران: قومس. چاپ دوم.
۴۳. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس. (۱۳۸۷). **روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی**. ترجمه احمدرضا نصر [و دیگران]. تهران: سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی. چاپ چهارم. جلد اول.
۴۴. گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس. (۱۳۸۷ الف). **روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی**. ترجمه احمدرضا نصر [و دیگران]. تهران: سازمان سمت و دانشگاه شهید بهشتی. چاپ سوم. جلد دوم.
۴۵. گرین، توماس. (۱۳۸۷). **جنبش‌های انقلابی معاصر**. ترجمه رشید شایگان‌پور. اهواز: نشر رشن.
۴۶. لاگلین، مارتین. (۱۳۸۸). **مبانی حقوق عمومی**. ترجمه محمّد راسخ. تهران: نشر نی.
۴۷. مارشال، کاترین؛ راس‌من، گرچن. (۱۳۸۶). **روش تحقیق کیفی**. ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ سوم.

۴۸. مجرّد، محسن. (۱۳۸۶). تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۹. محمّدی، منوچهر. (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۰. مصباح یزدی، محمّدتقی. (۱۳۸۶). شبان‌نیا، قاسم [تدوین و نگارش]. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. قم: مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی.
۵۱. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. (۱۳۷۸). صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ سوم.
۵۲. معدّل، منصور. (۱۳۸۲). طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران. ترجمه محمّدسالار کسرای. تهران: باز.
۵۳. مک‌دائل، دایان. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسین علی نودری. تهران: فرهنگ گفتمان.
۵۴. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۰). سیری در نظریه‌های انقلاب. تهران: قومس. چاپ سوم.
۵۵. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپهر نظریه‌پردازی‌ها. تهران: پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۶. منوچهری، عبّاس [به اتمام]. (۱۳۸۷). ره‌یافت و روش در علوم سیاسی. تهران: سازمان سمت.
۵۷. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت. [گردآوری و تنظیم]. (۱۳۸۰). ویژگی‌های انقلاب اسلامی در آیین‌نگاه مقام معظم رهبری. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۵۸. موسوی، میرحسین. (۱۳۸۳). شش گفتار درباره امام، انقلاب، جامعه، جنگ، اقتصاد و فرهنگ. تهران: نشر نی.
۵۹. میلز، سارا. (۱۳۸۲). گفتمان. ترجمه فتّاح محمّدی. تهران: فرهنگ گفتمان.
۶۰. نوازنی، بهرام. (۱۳۸۳). الگوهای رفتاری ایالات متّحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶۱. نوازنی، بهرام. (۱۳۸۸). سیاست صدور انقلاب اسلامی. تهران: پژوهش‌گاه کده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۶۲. ورعی، سیدجواد. (۱۳۸۶). مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی به روایت قانون‌گذار: روند تدوین و بازنگری قانون اساسی. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۶۳. ولی‌پور زرومی، سیدحسین. (۱۳۸۳). گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهش‌گاه کده مطالعات راهبردی.
۶۴. هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۵). راه‌نمای عملی پژوهش کیفی. تهران: سازمان سمت.